

مقاله علمی پژوهشی

بررسی ابعاد و نقش مالکیت فکری در فرایند نوآوری باز با تأکید بر راهبردهای موجود

مرضیه شرقی^۱، محمدعلی خورسندیان^{*۲}

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲. دانشیار حقوق خصوصی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۳۱ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۳)

Investigating Dimensions and Role of Intellectual Property in Open Innovation Process
Emphasizing on Available Procedures

Marzieh Sharghi¹, Mohammad Ali Khorsandian^{*2}

1. Ph.D. Student in Private Law, Shiraz University, Shiraz, Iran

2. Associate Professor of Private Law, Shiraz University, Shiraz, Iran

(Received: 20/Jun/2020

Accepted: 04/Oct/2020)

Abstract

For decades, a kind of innovation has been applied and growing, referred to as open innovation. Open innovation is a concept in contrast to closed innovation, which refers to the use of outside resources to accelerate innovation, reduce risks and increase efficiency. In this type of innovation where multiple actors exchange ideas, knowledge and technology with heterogeneous interests, one of the most controversial issues is the role and place of intellectual property. The key question is whether intellectual property principles encourage open innovation or hinder it? And if intellectual property play an effective role in this process, then how will it be able to play its role? In this paper, it is shown by a descriptive-analytical approach that despite different and opposing theories and arguments, a strong intellectual property system can facilitate open innovation. However, due to the shortcomings or legal gaps in open innovation's intellectual property, it is necessary to use alternative methods that amongst available approaches, defense invention patent model can provide more assurance for open innovation communities.

Keywords: Innovation, Open Innovation, Closed Innovation, Intellectual Property, Patent.

چکیده

از دهه‌های گذشته نوعی از نوآوری در حال استفاده و رشد است که از آن با عنوان «نوآوری باز» یاد می‌شود. نوآوری باز مفهومی در مقابل نوآوری بسته است که بر استفاده از منابعی خارج از سازمان برای سرعت بخشیدن به نوآوری، کاهش خطرات و افزایش بازده اشاره می‌کند. در این نوع از نوآوری که فعالان متعدد با منافع ناهمگون به تبادل ایده‌ها، دانش و فناوری می‌پردازند یکی از موضوعات بحث‌برانگیز نقش و جایگاه مالکیت فکری می‌باشد. مسئله اصلی آن است که آیا اصول مالکیت فکری نوآوری باز را تشویق می‌کند یا مانعی در جهت آن است؟ و اگر مالکیت فکری نقشی مؤثر در این فرآیند دارد چگونه و با چه راهکاری قادر به ایفای نقش خود خواهد بود؟ در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی نشان داده می‌شود که باوجود نظریه‌ها و استدلال‌های مختلف و مخالف، یک نظام مالکیت فکری قوی می‌تواند نوآوری باز را تسهیل کند. لیکن در حال حاضر به دلیل نواقص و یا خلأهای قانونی در زمینه مالکیت فکری نوآوری باز لازم است از روش‌های جایگزینی استفاده گردد که از میان راهکارهای موجود، مدل مجوز ثبت اختراع دفاعی می‌تواند تضمین بیشتری را برای جوامع نوآور باز فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: حق اختراع، مالکیت فکری، نوآوری، نوآوری باز، نوآوری بسته.

*Corresponding Author: Mohammad Ali Khorsandian

E-mail: mkhorsandian@yahoo.com

مقدمه

نوآوری باز اصطلاحی است که در مقابل نوآوری بسته به کار گرفته می‌شود و بر ضرورت استفاده از منابع موجود در خارج از مرزهای یک سازمان تأکید می‌نماید. به بیان دیگر؛ نوآوری به‌عنوان یکی از عوامل شناخته شده پیشبرد جوامع امروزی در مسیر توسعه و نیز یکی از محرک‌های موفقیت اقتصادی می‌باشد که پیشرفت‌ها در زمینه فناوری تغییرات چشمگیری در چشم‌انداز آن به همراه داشته است. پتانسیل به اشتراک‌گذاری دانش در دنیای در حال جهانی شدن، تقاضای فزاینده‌ای برای نوآوری سریع، در دسترس و فراگیر ایجاد می‌نماید. علاوه بر این امروزه نوآوری اغلب فرایندی شبکه‌ای و میان‌رشته‌ای می‌باشد که غالباً انجام آن برای یک مبتکر تنها غیرممکن است. از این رو بیشتر شرکت‌ها، بنگاه‌ها، دانشگاه‌ها و به‌طور کلی سازمان‌ها، مدل نوآوری بسته را کنار گذاشته و مدل‌های نوآوری تعدیل‌شده‌ای را جهت دستیابی به دانش ضروری برای ساخت محصولات پیچیده فنی، تقسیم هزینه‌های گزاف توسعه، کاهش خطرات و رقابت در بازارهای مالکیت فکری جهانی اتخاذ نموده‌اند. از این رو می‌توان آینده نوآوری را یک رویکرد «باز»، مشارکتی و جهانی پیش‌بینی کرد. بی‌تردید این رویکرد جدید می‌تواند چالش‌های متعددی را به‌ویژه در بعد مالکیت فکری به همراه داشته باشد. حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یک ابزار کارآمد در این زمینه باید به‌گونه‌ای عمل نماید تا جریان آزاد دانش تأمین و دسترس‌پذیری آن برای نوآوران تسهیل و تقویت گردد. از آنجاکه نوآوری باز عملکردی برای مرتبط ساختن بازیگرانی می‌باشد که به تبادل دانش می‌پردازند، مقررات مربوطه باید در راستای افزایش باز بودن، شفافیت، تعامل و همکاری تدوین گردند و تدابیری جهت مقابله با ترول‌های ثبت اختراع^۱، سازمان‌دهی دلالتان و غیره اندیشیده شود. به‌منظور ارتقای موفقیت‌آمیز نقش راهبردی مالکیت فکری در این فرایند، لازم است اهداف اصلی مالکیت فکری مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند. حقوق مالکیت فکری باید به‌جای تمرکز بر راهبردهای اعطای حق انحصاری محروم‌کننده، تولید بیشتر دانش، سهولت در به اشتراک‌گذاری

ایده‌ها و تنظیم بازارهای در حال رشد مالکیت فکری بین‌المللی را مدنظر قرار دهد و چرخشی حول این محور داشته باشد. به‌بیان‌دیگر مالکیت فکری به شیوه سنتی می‌تواند یک عنصر انتقادی در نوآوری باز به شمار آید که در صورت عدم انطباق با ضرورت‌های رشد و توسعه اقتصادی و عدم پیش‌بینی کارکردهای جدید برای مالکیت فکری، سازمان‌ها را به اجرای راهکارهای جایگزین برای مقابله با شکست نظام مالکیت فکری ناگزیر خواهد ساخت؛ امری که نمونه‌های آن را در حال حاضر می‌توان یافت. به دنبال این تحولات پرسش اصلی قابل طرح این است؛ مالکیت فکری در توسعه فرایند نوآوری باز از چه جایگاهی برخوردار می‌باشد و در غیاب قواعد حقوقی روشن و مشخص چه راهکارهای جایگزین یا مکملی به‌منظور پیشینه‌سازی مزایای نوآوری باز قابل استفاده خواهد بود؟ به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود یک دیدگاه دوگانه در خصوص نقش و جایگاه مالکیت فکری، وجود یک نظام قوی صیانت‌پذیر که در آن حمایت از حقوق مالکیت فکری سبب تسهیل تبادل دانش میان سازمان‌ها می‌گردد، ارتباط مستقیمی با توسعه نوآوری باز خواهد داشت. از سوی دیگر با توجه به این‌که پیشگیری از مناقشات موجب می‌شود تا باز بودن در فرایند نوآوری همواره به‌صورت رسمی یا غیررسمی سازمان‌دهی شود، به نظر می‌رسد در صورت عدم امکان استفاده از قواعد حقوقی مکفی، نظم خصوصی در قالب مجوز، ابزار مکمل مناسبی تلقی گردد. با این اوصاف، جستار حاضر از یک سو قصد دارد پیشینه‌ای مستند، علمی و دقیق از تعامل حقوق مالکیت فکری و نوآوری باز را در اختیار پژوهشگران بعدی قرار دهد و با توسعه دانش، زمینه بحث‌های نظری را فراهم سازد که از این رو می‌توان آن را پژوهشی بنیادی دانست. از سوی دیگر با معرفی ابزارهای کارآمد حقوقی، تلاش می‌نماید تا یافته‌های بنیادین را جهت برون‌رفت از چالش‌های عملی و مشکلات اجرایی به کار گیرد. داده‌های پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه‌محور تحصیل شده است و با تحلیل آنها بر اساس رویکرد تطبیقی- و نیز در مواردی با نگرش به مبانی اقتصادی- سعی می‌گردد تا به پرسش‌ها و سایر مباحث قابل طرح در این خصوص پاسخ داده شود و درستی یا نادرستی فرضیه‌های بیان شده مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرند. لذا این مقاله به‌صورت بنیادی و کاربردی و با روش توصیفی-تحلیلی پیش خواهد رفت.

درآمدی بر نوآوری باز

با توجه به اینکه بررسی و تحلیل نقش و جایگاه مالکیت فکری

1. Patent Troll.

ترول‌ها، اشخاصی فاقد ایده، ابداع و اختراع هستند که به جمع‌آوری ثبت اختراع‌های قدیمی و راکد پرداخته و به‌واسطه آنها اقدام به طرح دعوی علیه استفاده‌کنندگان از این ثبت اختراع‌ها می‌نمایند؛ بنابراین می‌توان ترول را معادل محترک دانست که در این مقاله نیز از همین معادل استفاده می‌گردد.

گردید (چسبرو، ۱۳۹۶: ۲۷-۵۸-۷۷). در این زمان نوآوری باز با دو مبنای عمده پا به عرصه ظهور گذاشت؛ نخست آن که سازمان‌ها به دلیل ظرفیت محدود باید دانش موجود در خارج از مرزهای خود را همانند دانشی که در داخل تولید می‌شود بدانند و از آن استفاده نمایند و ثانیاً سازمان‌ها به‌عنوان یک پلتفرم^۵ انحصاری که نتایج حاصل از تحقیق و توسعه را تجاری‌سازی می‌نمایند در نظر گرفته نمی‌شوند (Edler et al, 2015: 25). با این اوصاف می‌توان خاستگاه نوآوری باز را در ادبیات مدیریت جستجو نمود که اغلب آنها مربوط به مطالعات کسب‌وکار سازمانی می‌باشند. بررسی مطالعات صورت گرفته خارجی و داخلی نشان می‌دهد که در خصوص مباحث حقوقی، یک شکاف عمیق وجود دارد و تفسیرهای اندک حقوقی نیز عموماً بر بررسی شرایط قراردادی تمرکز دارند. از این رو ادبیات نوآوری باز در زمینه مالکیت فکری کمیاب‌تر نیز می‌باشد و اغلب نیز به قلمرو تکنولوژی خاصی - یعنی بیوتکنولوژی و نرم‌افزارها - خلاصه می‌شود (Da Silva, 2018: 1-3-4). Lee et al, 2013: 3-4). لذا از آنجا که ضعف و در موارد متعدد فقدان ابزارهای حقوقی کارآمد، به‌ویژه در زمینه مالکیت فکری، چالش مهمی در به‌کارگیری رویکرد نوآوری باز توسط سازمان‌ها به شمار می‌آید، لازم است پژوهش‌هایی در این خصوص صورت پذیرد. این لزوم با بررسی ادبیاتی که بر خلأ قواعد حقوقی تأکید می‌نمایند، دوچندان نیز خواهد شد (باقری نژاد و جاوید، ۱۳۹۳: ۲۵؛ مدهوشی و کیاکجوری، ۱۳۹۶: ۱۰).

مفهوم نوآوری باز و انواع آن

نوآوری باز فرایندی جدید برای نوآوری، تولید دانش و فناوری است. در این فرایند سازمان‌ها دربرهای خود را به سمت جریان آزاد ایده‌ها باز می‌کنند و سرمایه‌گذاری فناوری را در هر جایی که مناسب باشد مجاز می‌نمایند (Shinneman, 2010: 936). مطابق تعریفی که هنری چسبرو از نوآوری باز ارائه می‌دهد؛ «نوآوری باز الگویی است که در آن سازمان‌ها می‌توانند و باید از ایده‌های بیرونی علاوه بر ایده‌های درونی و از مسیرهای درونی و بیرونی منتهی به بازار، جهت پیشبرد فناوری‌های خود استفاده کنند» (چسبرو، ۱۳۹۶: ۲۸). آنچه در تبیین مفهوم نوآوری باز اهمیت اساسی دارد، توجه به مؤلفه «باز بودن» است. در حقیقت سازمان‌ها بنا به دلایل گوناگونی

در فرایند نوآوری باز از یک سو مستلزم درکی درست از مفهوم نوآوری باز می‌باشد - امری که به‌نوبه خود در سایه ریشه‌یابی تاریخی و بررسی ضرورت‌های تغییر رویکرد در فرایند نوآوری امکان‌پذیر است - و از سوی دیگر تبیین چارچوب معنایی مشخص از نوآوری باز در گرو مقایسه آن با سایر مفاهیم مشابه می‌باشد، این بخش به طرح مباحث مذکور اختصاص داده می‌شود.

پیشینه و ضرورت نوآوری باز

اصطلاح «نوآوری باز»^۱ برای نخستین بار در سال ۲۰۰۳ توسط هنری چسبرو^۲ در پاسخ به ناکارآمدی نوآوری درون‌سازمانی آن دوران مطرح گردید (چسبرو، ۱۳۹۶: ۲۳؛ Da Silva, 2018: 2). البته این نکته که در یک اقتصاد گسترده جهانی با فناوری‌هایی که پیچیده و پیچیده‌تر می‌شوند، یافتن شرکایی برای همکاری ضروری است و برای پیچیدگی‌های فزاینده جهانی مزایای یک سازوکار غیرمتمرکز (مبتنی بر بازار) در مقایسه با یک سازوکار متمرکز از برتری برخوردار می‌باشد، چندین دهه قبل توسط هایک^۳ در سال ۱۹۴۵ مطرح شده بود و نوآوری باز در همین راستا راهی برای حمایت از تقسیم کار و تخصص در فعالیت‌های فشرده دانش ارائه می‌دهد (Pénin, 2008: 6). در واقع تاریخچه نوآوری را می‌توان به پنج نسل طبقه‌بندی نمود که از فرایند خطی و ترتیبی (پی‌درپی)^۴ آغاز می‌گردد و در آخر به صورت یک فرایند چندوجهی به تصویر کشیده می‌شود. به همین جهت پس از طرح مفهوم نوآوری باز توسط چسبرو، این مدل - به‌عنوان نسل ششم نوآوری - بسیار مورد استقبال قرار گرفت (Mention, 2013: 12-13).

در اواخر قرن بیستم عوامل گوناگونی نظیر افزایش دسترسی به نیروی کار متخصص و جابه‌جایی فزاینده آنها، بازار سرمایه‌گذاری خطرپذیر، پتانسیل رو به رشد تأمین‌کنندگان بیرونی، رشد کمی و کیفی دانش‌آموختگان دانشگاهی، افزایش آگاهی‌ها و دانش مشتریان و تأمین‌کنندگان، کاهش بازه زمانی میان تولید محصولات و خدمات جدید تا عرضه به بازار، تنش میان پژوهش و توسعه و ... نظام فکری نوآوری بسته را در اغلب صنایع با تردید جدی مواجه ساخت و به رکود سازمان‌های درگیر و عقب ماندن آنها از چرخه رقابت منجر

1. Open Innovation
2. Henry Chesbrough
3. Hayek
4. Research Push

۵. Platform که در این مقاله معادل سکو به کار گرفته شده است.

است و به همین جهت مشابه با آن چیزی می‌باشد که پژوهشگران و نویسندگان دیگر تحت عناوینی نظیر نوآوری تجزیه شده^۴، نوآوری توزیعی^۵، نوآوری پراکنده^۶ و... مطرح می‌نمایند (Lee et al, 2013: 1-7- Pénin, 2008: 2-3). در همه این موارد نوآوری دارای یک ویژگی مهم است و آن اینکه جلوه‌هایی از باز بودن و تمایل به عبور از مرزهای سازمانی و یا حرکت به سمت منبع‌یابی خارجی و انتشار نوآوری در آنها دیده می‌شود. باز بودن یک مفهوم نسبی است و تا زمانی که سازمان‌ها در هر مرحله از نوآوری، مایل به استفاده از منابع خارجی باشند، می‌توان آنها را به‌عنوان سازمان‌هایی با فضای باز شناسایی نمود (Lee et al, 2013: 1-7- Pénin, 2008: 2-3)؛ لیکن باید دانست؛ تفاوت در درجه باز بودن، پیامدهای گوناگونی را - به‌ویژه در خصوص راهبردهای مالکیت فکری- به دنبال خواهد داشت که مقایسه نوآوری باز با برخی مفاهیم مشابه این موضوع را نمایان تر می‌سازد.

نوآوری باز در مقایسه با نوآوری بسته

نوآوری بسته برپایه این فرض بنیادین استوار است که نوآوری مفید تنها در مرزهای سازمان قابل تحقق می‌باشد (Pénin, 2008: 1-7- Lee et al, 2013: 2-3). در واقع نوآوری بسته چارچوبی را تعیین می‌کند که دانش در آن باز نیست و سازمان‌ها با یکدیگر ارتباط چندانی ندارند. سازمان‌ها به‌شدت متکی به خود می‌باشند و بر راهبردهای تخصیص نظیر محرمانگی و حقوق مالکیت فکری انحصاری تأکید می‌نمایند (Pénin, 2011: 73). به‌بیان‌دیگر این سازمان‌ها تمایل به استفاده از منابع خارجی را از طریق دریافت مجوز ندارند و با اتخاذ یک سیاست داخلی برای عدم صدور مجوز خروج تکنولوژی اصلی خود، اجازه بهره‌برداری از دانش را به سازمان‌های دیگر نمی‌دهند (Lee et al, 2013: 3). مطابق با مدل نوآوری بسته سازمان‌ها منحصرأ ایده‌هایی را که از طریق پتانسیل خود، به‌ویژه بخش تحقیق و توسعه ایجاد شده‌اند، توسعه داده و تجاری‌سازی می‌نمایند و تمام مراحل ایده‌پردازی، تحقیق و توسعه، طراحی، تولید، بازاریابی و فروش با استفاده از ظرفیت‌های داخلی سازمان صورت می‌گیرد (منطقی و حسن‌آبادی، ۱۳۹۵: ۲۶؛ قاسمی و دیگران: ۱۳۹۶).

نظیر ماهیت محصول و چرخه تولید آن، بافت صنعت (شامل رفتار رقبا، وجود همکار یا انجمن‌های مشارکت‌کننده و مانند آن)، راهبردها و منابع سازمانی داخلی و زمینه‌های قانونی، درجات متفاوتی از باز بودن را در روند نوآوری خود بکار می‌گیرند (Lee et al, 2013: 2). همین امر سبب می‌شود که نوآوری باز با دو مفهوم مضیق و موسع قابل‌شناسایی باشد. مفهوم مضیق نوآوری باز به معنای جریان هدفمند و کنترل شده منابع و دانش به داخل و یا خارج از مرزهای یک سازمان است. به بیان دیگر یک نوآوری می‌تواند تعداد زیادی از سازمان‌ها را درگیر کند و طبق مفهوم چسبرو «باز» باشد لیکن باوجود این دسترسی دانش در آن تحت کنترل باقی بماند (Pénin, 2008: 5-7). درحالی‌که مفهوم موسع بر ایده دسترس‌پذیری بدون محدودیت مبتنی است و در آن بر سطح بالایی از تعامل، تداوم و پویایی به‌عنوان هنجارهای جوامع نوآور باز تأکید می‌گردد (Vallat, 2009: 73-76).

با در نظر گرفتن مفهوم و هدف نوآوری باز می‌توان این فرایند را بر اساس مبانی گوناگون تقسیم نمود. در یک دسته‌بندی متداول نوآوری باز با توجه به جهت جریان دانش در مرزهای یک سازمان به سه نوع تقسیم می‌شود؛ نوآوری خارج به داخل (وارد شونده)^۱، نوآوری داخل به خارج (خارج شونده)^۲ و نوآوری به‌هم‌پیوسته که شامل ترکیب دانش وارد شونده و خارج شونده می‌باشد (Da Silva, 2018: 2). جریان نوآوری خارج به داخل به روش‌هایی از جمله خرید فناوری از منابع خارجی، اخذ مجوز جهت بهره‌برداری از فناوری، سرمایه‌گذاری مشترک و سرمایه‌گذاری خطرپذیر، برون‌سپاری قراردادهای تحقیق و توسعه، ادغام و اکتساب، مشارکت مشتری و شبکه‌سازی خارجی امکان‌پذیر است و فروش، اعطای مجوز و شرکت‌های زایشی از مصادیق جریان داخل به خارج نوآوری می‌باشند (صفدری رنجبر و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲)^۳.

مقایسه نوآوری باز با مفاهیم مشابه

همان‌گونه که بیان شد نوآوری باز در تأکید بر ضرورت تمرکززدایی برای مقابله با رقابت فزاینده جهانی ظهور یافته

1. Outside-in
2. Inside-out

۳. همچنین برای مشاهده طبقه‌بندی‌های دیگر ر.ک:

Tamura, Yoshiyuki, (2014), Patent Law Design in the Open Innovation Era, *Intellectual Property Law and Policy Journal*, Vol. 1, pp. 27-37.

4. Disintegrated innovation
5. Distributed innovation
6. Dispersed innovation

بسته امکان جریان دانش را تصدیق می‌کند اما این جریان کنترل شده بوده و بنا به اقتضا می‌تواند محرمانگی و به‌کارگیری سنتی حقوق انحصاری را نیز به دنبال داشته باشد (Pénin, 2011: 74-75).

به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت که اگر باز بودن یک طیف در نظر شود، نوآوری بسته و نوآوری باز در مفهوم موسع، در دو منتهی‌الیه آن قرار می‌گیرند و نوآوری باز در مفهوم مضیق، جایگاهی در میانه آنها دارد (Pénin, 2011: 73-76). گرچه امروزه تمایل به نوآوری باز بسیار زیاد است و سازمان‌ها با تأثر از عوامل گوناگون نظیر ویژگی‌های سازمان و موقعیت صنعت در بازار، در نقطه‌ای از این طیف قرار می‌گیرند، لیکن این حقیقت انکارناپذیر را نمی‌توان نادیده گرفت که سیاست‌های مدیریتی و قانونی در تلاش برای تشویق حرکت و گذار نوآوری باز از مفهوم مضیق به سمت مفهوم موسع، کمینه‌سازی مخاطرات و رفع موانع در این راستا می‌باشند (Edler et al, 2015: 26). در جستار حاضر نیز تمرکز اصلی بر این رویکرد خواهد بود و با تأکید بر نوآوری باز در مفهوم موسع، به طرح مباحث مربوطه پرداخته خواهد شد.

نقش حقوق مالکیت فکری در نوآوری باز

ترادسی نوآوری از مدل بسته به مدل باز مسائلی نظیر اشاعه حقوق مالکیت، خطر رفتارهای فرصت‌طلبانه، جریان ناخواسته دانش و مانند آن را به همراه داشته است که اجرای نوآوری باز را پیچیده می‌سازد. یکی از این پیچیدگی‌ها به نقش و جایگاه حقوق مالکیت فکری در این فرایند باز می‌گردد که خود می‌تواند مسائلی همچون کارکردهای جدید مالکیت فکری در نوآوری باز را به دنبال داشته باشد. اموری که در این بخش موردبررسی قرار خواهند گرفت.

مالکیت فکری؛ تشویق یا تضعیف نوآوری باز

در طول تاریخ ظهور و تکوین حقوق مالکیت فکری بحث حمایت از آفریده‌های فکری و کارکرد مالکیت فکری به‌عنوان مشوق یا مانع نوآوری همواره محل اختلاف بوده است. ریشه‌دوانی این اختلاف‌نظرها را نه‌تنها در قوانین ملی و بین‌المللی بلکه حتی می‌توان در فقه نیز جستجو نمود (اق‌مشهدی، ۱۳۹۱: ۴۲؛ میرحسینی ۱۳۹۶: ۴۰). لیکن علی‌رغم همه مباحث نظری می‌توان انعکاس کارکرد تشویقی مالکیت فکری را به‌عنوان برآیند این مناقشات در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی نظیر تریپس و قوانین داخلی کشورها از جمله قانون

۲۳۳: 24 (Czychowski, 2014). براساس اصول نوآوری بسته سودآوری پژوهش و توسعه در اکتشاف، توسعه و ارسال آن برای مشتری توسط خود سازمان قابل تصور است. همچنین این مدل، سازمانی را پیشرو و موفق می‌داند که ایده‌ها را زودتر از دیگران کشف و به بازار برساند و به همین جهت دارایی‌های فکری باید به‌شدت کنترل شوند تا رقبا از این ایده‌ها بهره‌مند نگردند (چسبرو، ۱۳۹۶: ۳۰؛ رمضان‌پور نرگسی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۲). در یک تشبیه ساده، درون یک محیط نوآورانه بسته، سازمان‌ها هیچ دربی ندارند تا از طریق آن، دانش بتواند به داخل یا خارج جریان یابد (Pénin, 2011: 73).

نوآوری باز در مقایسه با نوآوری منبع باز و جنبش

متن باز

در صنعت نرم‌افزار ترکیبی از مدل بازار، افشای باز کد منبع و نوعی مجوزهای قانونی کپی‌لفت یک دستورالعمل بسیار موفق برای تولید و توسعه نرم‌افزارهای قابل اعتماد در زمان بسیار کوتاه ارائه کرد. دستاوردهای جوامع نرم‌افزارهای متن باز نظر عموم را به تسری این روش به سایر حوزه‌ها جلب نمود. از این رو می‌توان نوآوری منبع باز را تعمیمی از مدل متن باز در بخش نرم‌افزار دانست. یک نوآوری زمانی می‌تواند به‌عنوان نوآوری منبع باز تلقی شود که در یک بازه زمانی قابل توجه سه ویژگی ذیل را تأمین نماید:

الف) فعالان این فرایند دانش را به‌صورت داوطلبانه افشا سازند؛

ب) دانش باز باشد؛ بدین معنا که افشای آن به ذی‌نفعان خاص محدود نگردد؛

ج) تعاملات مداوم میان فعالان نوآوری وجود داشته باشد (Pénin, 2011: 66).

گرچه نوآوری باز در مفهوم موسع به سمت نوآوری منبع باز گرایش دارد لیکن درجه باز بودن در فرایند منبع باز بسیار بیشتر از آن چیزی است که در مفهوم مضیق نوآوری باز مدنظر می‌باشد. مطابق با همان تشبیه ساده در نوآوری منبع باز درب‌هایی وجود دارند که برای هرکسی باز می‌باشند، اگرچه ممکن است برای ورود شرایطی وجود داشته باشد اما این شرایط متعارف بوده و برای همه یکسان خواهند بود. درحالی‌که در مفهوم مضیق نوآوری باز یک درب وجود دارد و این درب با توجه به تمایل سازمان که هنوز ورود و خروج را کنترل می‌کند باز یا بسته می‌شود. به‌این ترتیب نوآوری باز در مفهوم مضیق به معنای مرزهای سازمانی نفوذپذیر می‌باشد که برخلاف نوآوری

این اعتقاد که چنین ثبت اختراع‌هایی دارای قلمرو نامشخص و نامطلوبی هستند، وجود دارد. همچنین برخی بر این باورند که مالکیت فکری به اقدامات غیر اخلاقی یا تلاش‌های علمی مشکوک جهت تصاحب و کنترل دانش منجر می‌گردد (Schultz & M. Urban, 2012: 3-4).

سوم این که حتی اگر تحصیل مالکیت فکری با «اهداف دفاعی» یا سایر اهداف «نوع‌دوستانه» باشد هیچ تضمینی جهت استفاده از آنها در آینده برای یک حملهٔ تهاجمی وجود ندارد (Schultz & M. Urban, 2012: 3-4).

در مقابل برخی معتقدند که افزایش قدرت حمایت از مالکیت فکری باعث برانگیخته شدن به اشتراک‌گذاری دانش و انتشار آزاد اطلاعات فناوری می‌گردد (Da Silv, 2018: 2). همچنین آنها بر این باورند که در تحلیل اقتصادی، مالکیت فکری به عنوان یک مزیت (نه یک مانع) و یک فرصت (نه یک هزینه) در نمایش نوآوری باز ایفای نقش می‌کند. به بیان دیگر؛ مالکیت فکری یک عنصر محوری در مدل نوآوری بسته به شمار می‌رود که مهم‌ترین کارکرد آن جلوگیری از رقابت می‌باشد. در مدل نوآوری بسته حقوق انحصاری به عنوان یک حق سلبی برای منع دیگران به جای رواج نوآوری مورد استفاده قرار می‌گیرد. لیکن ظهور تکنولوژی‌های جدید و نوآوری باز کارکردهای جدیدی برای مالکیت فکری تعریف می‌کند و تقاضا برای یک سیستم مالکیت فکری جدید و کارآمد را افزایش می‌دهد؛ نظامی که بتواند اشتراک‌گذاری دانش را تسهیل نماید و تمایل سازمان‌ها برای ورود به مجوزهای بهره‌برداری و مبادلهٔ اختراعات خود را ازدیاد بخشد. همچنین حمایت از مالکیت فکری نه تنها کمک می‌کند تا هزینه‌های تحقیق و توسعه جبران گردد و خطرات ناشی از همکاری از طریق تجاری‌سازی دارایی‌های نامشهود کاهش یابد، بلکه افشای آن نوآور را قادر می‌سازد تا تکنولوژی‌ها و شرکا را برای انجام تحقیقات مشارکتی بیشتر در یک سبد نوآوری باز شناسایی و ارزیابی نماید؛ بنابراین مالکیت فکری می‌تواند به عنوان یک گزینه و فرصت در بازارهای سرمایه‌های فکری نگریسته شود. این امر در نوآوری باز آنقدر اهمیت دارد که به پیش‌بینی بازارهای واسطه^۲ یا بازارهای ثانویهٔ مالکیت فکری^۳ منجر شده است. این بازارها «واسطه» نامیده می‌شوند به این دلیل که یک سازمان می‌تواند یک تکنولوژی را آغاز کند و تا

حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و... ایران مشاهده نمود (خدمتگزار، ۱۳۹۰: ۳۲۰). باوجوداین، چگونگی و میزان تأثیر حقوق مالکیت فکری بر نوآوری باز از ابهام بیشتری نیز برخوردار می‌باشد و این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا مالکیت فکری هم‌راستا با نوآوری باز و به‌عنوان مکمل آن می‌باشد یا میان این دو تعارض وجود دارد. در پاسخ به این پرسش دو دیدگاه عمده در مقابل یکدیگر صف‌آرایی می‌نمایند. برخی از نویسندگان حمایت از حقوق مالکیت فکری را تهدیدی علیه نوآوری باز می‌دانند زیرا قابلیت دسترسی گسترده به دانش و فناوری یک عنصر حیاتی نوآوری باز است و زمانی می‌توان از آن اطمینان حاصل نمود که شخص/ اشخاص معینی به‌واسطهٔ حقوق انحصاری، بر کنترل جریان دانش و فناوری مسلط نگردند. از نظر این گروه، هیچ‌کس نباید قدرت اختصاصی کردن نتایج حاصل از نوآوری و حتی ارتقاها بعدی آن را دارا باشد (Hagedoorn & Zobel, 2015: 1055). به‌طور کلی می‌توان سه دلیل مهم را در توجیه دیدگاه مخالفین مالکیت فکری مطرح نمود؛

نخست این که تحصیل و اجرای حقوق انحصاری مالکیت فکری، نظیر ثبت اختراع، امری هزینه‌بر می‌باشد؛ بدین معنا که یک سازمان برای جمع‌آوری یک پورتفولیوی^۱ قوی مالکیت فکری باید نیروی کار و منابع مالی قابل توجهی را در ابتدا جهت پیگیری قانونی یا خرید حق امتیاز و سپس در راستای اجرا، مذاکره و... اختصاص دهد. این امر گرچه برای بنگاه‌های انحصاری و کنسرسیوم‌های بزرگ که قادر به تمرکز بر هزینه‌ها و منافع می‌باشند مفید خواهد بود لیکن در جوامع نوآوری باز که عموماً برای توزیع هزینه‌ها و منافع از طریق تصمیم‌گیری غیرمتمرکز ساخته شده‌اند بسیار دشوار می‌باشد (Schultz & M. Urban, 2012: 3-4).

دوم مالکیت فکری از نظر فلسفی، فرهنگی و سیاسی با نگرش اعضای جوامع نوآوری باز سازگار نیست. چراکه بسیاری از نوآوران، حقوق مالکیت فکری را به عنوان یک ضد رقابت می‌بینند و استفاده از آن را با ترفندهای «زورگویانه» ضد نوآوری توسط هر یک از فعالان صنعتی قدرتمند و نیز محتکران مرتبط می‌دانند. همچنین در صنایع نرم‌افزاری و اطلاعاتی مخالفت‌های شدیدی نسبت به ثبت اختراع بر مبنای

1. intermediate market

2. Secondary intellectual property market

۱. Portfolio که از این به بعد در این مقاله معادل سبد به کار خواهد رفت.

با این اوصاف درمی‌یابیم که در عمل سازمان‌های درگیر در نوآوری باز وجود یک سید مالکیت فکری قوی را که طبیعتاً در لوای یک نظام مالکیت فکری مناسب و منسجم ممکن می‌باشد به عنوان عامل محرک جهت مشارکت در نوآوری باز می‌بینند. به بیان دیگر حقوق مالکیت فکری در پوشش‌های مختلف (ثبت اختراع، کپی‌رایت، اسرار تجاری و غیره) و علی‌رغم تفاوت در سطح تأثیرگذاری این پوشش‌ها بر نوآوری باز - که ورود در جزئیات آن در این مجال میسر نیست - همکار نوآوری باز و نه رقیب آن تلقی می‌گردد (Mention, 2013:18-19).^۲ لیکن باید دانست که حقوق مالکیت فکری در بافت نوآوری باز کارکردهای جدیدی نیز می‌یابد و الزاماً بر مبنای اهداف سنتی، در تعامل با این فرایند قرار نمی‌گیرد.

کاربردهای مالکیت فکری در نوآوری باز

در ذیل چند مورد از کاربردهای مهم و متفاوت مالکیت فکری در نوآوری باز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واگذاری، اکتساب و صدور مجوز

با نگاهی تاریخی به مالکیت فکری مشخص می‌گردد که حقوق انحصاری به عنوان اهرمی قانونی برای منع بهره‌برداری رقبا از دانش و فناوری مورد استفاده قرار می‌گرفت. این در حالی است که نگرش نوآوری باز به مالکیت فکری به عنوان منبع درآمدزایی و سودآوری می‌باشد (چسبرو، ۱۳۹۶: ۲۰۰). در واقع هر جا که حقوق انحصاری به بهره‌وری داخلی تبدیل نشود می‌توان آن را به سایر سازمان‌ها - حتی سازمان‌های رقیب - واگذار نمود یا اجازه بهره‌برداری از آنها را صادر کرد (Ming, 2010: 1444). به بیان دیگر صاحبان حقوق انحصاری می‌توانند از طریق مجوزهای بهره‌برداری یا انتقال مالکیت فکری منابع خود را به بهترین شیوه تخصیص دهند و به منافع تجاری دست یابند. این امر در یک مقیاس کلی می‌تواند از دعوی نقض مالکیت فکری به ویژه در حوزه دانش و فناوری انبوه بکاهد (عباسی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۷). همین امر در خصوص اکتساب حقوق مالکیت فکری نیز صدق می‌کند. به

سطح معینی توسعه دهد و سپس یک سازمان دیگر آن را از آن نقطه به بازار منتقل نماید. این بازار امکان فروش یا مجوز مالکیت فکری را برای سازمان‌هایی که تکنولوژی را به کمال می‌رسانند یا استفاده متفاوتی از آن ارائه می‌نمایند به وجود می‌آورد (Chesbrough, & Ghafele, 2014: 194-197- Edler et al, 2015: 27-28- Hagedoorn & Zobel, 2015: 1055); بنابراین می‌توان استدلال موافقان مالکیت فکری را بیشتر بر پایه‌های اقتصادی و کاربردی متکی دانست. تحقیقات آماری نشان می‌دهد؛ ترجیح سازمان‌های درگیر در نوآوری باز به مداخله نظام مالکیت فکری در این گونه همکاری‌ها، تابع عوامل گوناگونی است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف) درجه و میزان باز بودن نوآوری در یک سازمان؛ آن‌جا که هر چه درجه و میزان باز بودن نوآوری در یک سازمان بیشتر و به تبع آن شبکه شرکای شرکت‌کننده در نوآوری گسترده‌تر باشد، مخاطرات قابل توجهی نظیر نشت ناخواسته دانش نیز فزونی می‌یابد، حقوق مالکیت فکری می‌تواند ابزار کارآمدی جهت حفاظت از دانش باشد. در این زمینه راهبردهای تخصیصی هم‌چون حقوق انحصاری در مالکیت فکری، انتقال و معاملات امن دانش را امکان‌پذیر می‌سازد (Hagedoorn & Zobel, 2015: 1057-1062).

ب) ظرفیت‌های تحقیق و توسعه؛ سازمان‌هایی که از پتانسیل بالایی برای تحقیق و توسعه برخوردار می‌باشند، شرکای بالقوه مناسبی جهت همکاری در فرایند نوآوری باز به شمار می‌آیند. این امر سبب می‌گردد تا چنین سازمان‌هایی در سطح وسیع با نوآوری باز درگیر شوند. لذا این سازمان‌ها به همان دلایل که در بند الف تشریح گردید، تمایل بیشتری به بهره‌گیری از حمایت نظام مالکیت فکری دارند تا بتوانند با آسودگی بیشتر در فرایند نوآوری باز مشارکت نمایند. (Hagedoorn & Zobel, 2015: 1057-1062).

ج) داشتن رویکرد حقوقی رسمی یا تشریفاتی،^۱ مقصود از رویکرد حقوقی رسمی تمایل سازمان‌ها به استفاده از ابزارهای کنترل رسمی - نظیر قراردادهای تشریفاتی - برای تنظیم روابط شرکا در نوآوری باز می‌باشد که هر چه رویکرد حقوقی رسمی سازمان‌های نوآوری باز قوی‌تر باشد گرایش به سمت حقوق مالکیت فکری نیز بالاتر خواهد بود (Hagedoorn & Zobel, 2015: 1057-1062).

1. Formal legal attitude

۲. همچنین برای مطالعه بیشتر در این خصوص: Hagedoorn, John, Ridder, Ann Kristin (2012), Open innovation, contracts, and intellectual property rights: an exploratory empirical study, pp 1-44. available at: <https://cris.maastrichtuniversity.nl/portal/files/596640/guid-c9bb4a7a-899d-478b-af20-4703154c34e5-ASSET1.0> (last visited on 2019/ 7/5).

تأمین جریان آزاد دانش

گرچه در نگاه نخست میان حقوق انحصاری ناشی از مالکیت فکری و جریان آزاد دانش، نوعی تغایر و تضاد به چشم می‌خورد، لیکن این دو مفهوم مانع‌الجمع نمی‌باشند. صاحبان حقوق انحصاری می‌توانند این حقوق را - با یا بدون دریافت حق امتیاز - به یک سازمان مستقل منتقل نماید، آنها را بخشی از یک ائتلاف مشترک قرار دهند و یا مجوز غیرانحصاری را به هر متقاضی اعطا نمایند. در همه این موارد، مالکیت فکری از کارکرد سنتی خود که همانا حبس دانش و فناوری در مرزهای سازمانی می‌باشد، فاصله می‌گیرد و به ابزاری برای جریان آزاد آن مبدل می‌گردد (Ming, 2010: 1444).

تغییر نگرش صاحبان حقوق انحصاری نسبت به کارکردهای مالکیت فکری نه تنها برای بقای آنها در چرخه رقابت ضرورتی انکار ناپذیر است، بلکه دستیابی به توسعه پایدار و رونق اقتصادی نیز در گرو عدول متولیان امر قانون‌گذاری از دیدگاه حاکم بر قوانین موجود و اصلاح مقررات بر اساس کارکردهای جدید می‌باشد که در ادامه به تشریح آن پرداخته خواهد شد.

سازماندهی فرایند نوآوری باز

پیاده‌سازی موفق نوآوری باز مستلزم به‌کارگیری تدابیر راهبردی جهت دسترسی آزاد به دانش و فناوری و سازمان‌دهی روابط فعالان می‌باشد. به همین جهت لازم است ابزارهایی منطبق با سیاست‌های حمایتی - تشویقی و به منظور پیشینه‌سازی مزایای نوآوری باز تمهید گردد. چنانچه این ابزارها از سوی مقامات دولتی کارسازی شوند به ایجاد یک نظم عمومی در زمینه نوآوری باز منجر خواهند شد. لیکن روشن است که در خلای ابزارهای نظم عمومی، ابزارهای نظم خصوصی به عنوان جایگزین، در این حوزه ورود خواهند کرد. در این بخش تلاش می‌شود تا این ابزارها و سیاست‌ها در بوتۀ ارزیابی مزایا و معایب مورد تدقیق قرار گیرند.

ابزار نظم عمومی در بافت نوآوری باز

نظم عمومی یک ابزار حقوقی کارآمد می‌باشد که به قانون‌گذار

این معنا که برای یک سازمان درگیر در نوآوری باز، نوآوری خارج شونده می‌تواند به صورت واگذاری حقوق مالکیت فکری و نوآوری واردشونده به صورت اکتساب حقوق مالکیت فکری باشد (Mention, 2013:21).

علامت‌دهی

از آن‌جا که نوآوری باز الزاماً به معنای نوآوری عمومی نیست و در مواردی به دنبال اشتراک‌گذاری هدفمند دانش و اطلاعات فنی و تجاری تحت کنترل می‌باشد، از این رو می‌توان یک کاربرد و مزیت رقابتی و محافظتی برای حقوق مالکیت فکری در نوآوری باز در نظر گرفت. با این توضیح که سازمان‌ها معمولاً سید حقوق مالکیت فکری شریک بالقوه خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهند تا دریابند که شریک بالقوه تا چه میزان از حقوق انحصاری خاص متناسب با پروژۀ نوآوری باز برخوردار است و همپوشانی قابل توجه حقوق انحصاری شریک بالقوه با پایگاه دانش سازمان مرکزی می‌تواند تصمیم سازمان برای مشارکت را تحت تأثیر قرار دهد. به همین جهت اعتبار حقوق مالکیت فکری نه تنها منعکس‌کننده درجه انتظار سازمان در ایفای نقش حقوق مالکیت فکری به عنوان یک مکانیزم صیانت‌پذیر دفاعی است بلکه همچنین می‌تواند به عنوان سیگنال‌های قابلیت نوآورانه مدنظر قرار گیرد. در این حالت حقوق مالکیت فکری می‌تواند نقشی را برای سازمان‌ها در جلب توجه شرکای بالقوه ایفا نماید. چراکه درجه تمایل سازمان‌ها به حفاظت از دانش خود، نشان‌دهنده ارزش آن دانش است و این مسأله سازمان مربوطه را به‌عنوان شریک بالقوه جذاب‌تر می‌سازد (Hagedoorn & Zobel, 2015: 1056).

توافق ائتلافی

توافق ائتلافی نوعی قرارداد میان دارندگان مالکیت فکری است که حقوق انحصاری خود را در یک‌جا تجمیع می‌نمایند و به موجب ایجاب خاص - برای اعضای ائتلاف - یا ایجاب عام - برای اشخاص ثالث - اجازه بهره‌برداری از این حقوق را صادر می‌کنند. در واقع توافق ائتلافی روشی است که به اشخاص این امکان را می‌دهد تا به جای منع بهره‌برداری توسط دیگران، از طریق کنار هم قراردادن ابزارهای لازم، به تولید و/یا توسعه دانش و فناوری مبادرت نمایند (Lampe & Moser, 2015: 1-2؛ صادقی و جعفری چالشری، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

۱. همچنین برای مطالعه سایر کارکردهای نوین مالکیت فکری در نوآوری باز: سیدی، رضا؛ بابایی، ابازالله؛ سعد محمدی، مجید (۱۳۹۳). «نقش مدیریت مالکیت فکری در نوآوری باز». همایش بین‌المللی مدیریت. موسسه سفیران فرهنگی مبین. صص ۱۸۳-۱۸۲.

در خرید سهم شریک پیش‌بینی کرده است. به علاوه، در صدور مجوز انحصاری برای اشخاص ثالث اخذ رضایت همه مالکین ضرورت دارد (Gorbatyuk et al, 2016: 276- 278). در نظام ثبت اختراع ژاپن نیز که بر پایه ایده نوآوری بسته بنا شده است، برابر ماده ۷۳ قانون ثبت اختراع این کشور، مالکین مشترک حق بهره‌برداری از اختراع مشترک را خواهند داشت لیکن هرگونه صدور مجوز به اشخاص ثالث بدون اذن سایر شرکا میسر نمی‌باشد (Tamura, 2014: 25-27). به نظر می‌رسد آنچه این اختلاف را توجیه‌پذیر می‌سازد، اهداف متفاوتی است که در وضع هر یک از این قوانین دنبال می‌شود. قانون‌گذاران آمریکا بدون تحمیل موانع روبه‌ای مانند الزامات رضایت، تبادل آزاد دانش با اشخاص ثالث را تشویق می‌کنند. لیکن قانون‌گذار فرانسه با در اولویت قرار دادن منافع همکاران، محتاط‌تر عمل می‌نماید و به آنها این امکان را می‌دهد که در خصوص راهبردهای بهره‌برداری و انتقال به صورت مشترک تصمیم‌گیری نمایند. قوانین پیش‌فرض فرانسه با روش اطلاع‌رسانی، حق تقدم و الزامات رضایت برای مالکان مشترک این فرصت را فراهم می‌آورد تا از منافع خود محافظت کنند. با این حال، بر هر دو نظام نقدهایی از سوی دکتربین وارد شده است. قوانین پیش‌فرض ایالت متحده آمریکا به دلیل آزادی مطلق می‌تواند عواقب نامطلوبی برای سایر مالکین مشترک به همراه داشته باشد و به منافع آنها آسیب برساند؛ به ویژه آن‌که هیچ‌گونه تعهدی برای اطلاع‌رسانی وجود ندارد. در قوانین آمریکا هیچ طریقه‌ای برای مخالفت با تصمیمات شریک دیگر پیش‌بینی نشده است. از سوی دیگر گفته می‌شود؛ الزاماتی که قانون فرانسه تحمیل می‌کند می‌تواند به صورت چشم‌گیری از پویایی تبادل دانش بکاهد و به آن آسیب برساند. سرعت و انعطاف‌پذیری عوامل مهمی برای مشارکت مؤثر در فعالیت‌های نوآوری بازمی‌باشند (Gorbatyuk et al, 2016: 276- 278). در ژاپن پیشنهاد شده است که هر یک از شرکا در چارچوب مشخصی بتوانند مجوز صادر نمایند و اثر را در فعالیت‌های نوآورانه باز مشارکت دهند. همچنین عنوان شده است که اختیار صاحبان آثار مشترک برای دریافت بهره مالکانه در مجوزهای نوآوری باز محدود گردد (Tamura, 2014: 25-27). قانون‌گذار ایران در بند ب ماده ۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری اعلام می‌دارد که اگر افرادی به صورت مشترک اختراعی انجام داده باشند، حقوق

امکان می‌دهد تا به صورت مستقیم و از طریق اعمال قوانین الزام‌آور به پیکره‌بندی مدل نوآوری باز مبادرت نماید (Lee et al, 2013: 7). بدین منظور ضروری است سیاست حمایت از حق انحصاری^۱ به سیاست حمایت از نوآوری^۲ و در نتیجه نوآوری‌گرایی بیشتر تغییر جهت یابد. همچنین این تغییر نگرش باید در قوانین موضوعه نفوذ یابد تا بستر به‌کارگیری چنین مدلی برای نوآوری فراهم گردد. در این راستا توجه به سه حوزه اصلی در نظام مالکیت فکری اهمیت اساسی دارد:

الف) بازاندیشی در مقررات راجع به آفریده‌های مشترک؛ هم‌آفرینی و خلق مشترک یکی از روش‌های شناخته شده در ایجاد آثار فکری است که نوآوری باز سبب ازدیاد آن می‌گردد. مسئله مالکیت و بهره‌برداری از نتایج حاصله، یکی از مباحث خطیر و البته اختلاف‌برانگیز در زمینه آثار مشترک می‌باشد. بی‌تردید افق توافق در خصوص تخصیص مالکیت و نحوه بهره‌برداری از نتایج حاصله، همواره در پیش‌روی خالقان آثار مشترک قرار دارد، لیکن هنگامی که آنها بخواهند به قوانین پیش‌فرض استناد نمایند، موضوع اندکی دشوار می‌گردد. در بحث حاضر، دشواری زمانی دوچندان می‌شود که یک یا چند تن از شرکا بخواهند نتایج حاصل را به چرخه نوآوری باز وارد سازند و سایر شرکای با آن مخالفت نمایند. قوانین کشورها علی‌رغم قائل شدن به سهم مالکانه برای همه خالقان مشارکت‌کننده، رویکردهای متفاوتی را در باب نحوه تصرف و بهره‌برداری از نتایج حاصله اتخاذ می‌نمایند. برخی از حوزه‌های حقوقی، نظیر ایالت متحده آمریکا، دارای رویکردی انعطاف‌پذیر هستند که به مالکان مشترک اجازه می‌دهد تا به صورت مستقل از امتیاز حقوق انحصاری استفاده کنند، برای اشخاص ثالث مجوز بهره‌برداری صادر کنند، سهم خود را واگذار نمایند، در فعالیت‌های نوآورانه باز مشارکت کنند و هرگونه اقدام دیگری را بدون نیاز به اجازه شریک خود معمول دارند.^۳ در مقابل در قوانینی نظیر قانون فرانسه سخت‌گیری بیشتری نشان می‌دهند و وظیفه اطلاع‌رسانی را در مواردی همچون صدور مجوز غیرانحصاری و یا واگذاری سهم، بر شریک بار می‌نمایند. ماده L613-29 قانون مالکیت فکری فرانسه مهلتی ۳ ماهه از تاریخ اطلاع یافتن شریک به منظور اعلان نظر در خصوص موافقت یا عدم موافقت با صدور مجوز غیرانحصاری و حق تقدم

1. Pro- patent policy
2. Pro- innovation policy

۳. ماده ۲۶۲ از بخش ۳۵ قانون ایالت متحده آمریکا؛ در باب ثبت اختراع.

که بهترین روش برای تحصیل دانش بیشتر، به اشتراک‌گذاری نتایج تحقیقات در اسرع وقت می‌باشد. میان این هنجار و شرط جدید بودن قوانین ثبت اختراع نوعی عدم تطابق وجود دارد که دشواری‌هایی برای اجرای فرایند نوآوری باز به وجود می‌آورد. ضرب‌الاجل طولانی‌تر این سازمان‌ها را برای ادامه هنجارهای حاکم بر ساختار، حمایت خواهد کرد و به آنها اجازه می‌دهد یافته‌های خود را با اطمینان از ثبت‌پذیری انتشار دهند. همچنین در ارتباط با شرکت‌های کوچک و نوپا که مایل به استفاده از فرایند نوآوری باز می‌باشند، ضرب‌الاجل طولانی‌تر موجب می‌شود که امکان‌سنجی ورود به مرحله تجاری‌سازی با تضمین بیشتری صورت پذیرد (Shinneman 2010: 955-956). قوانین کشورها رهیافت‌های متفاوتی را در خصوص کیفیت و مدت ضرب‌الاجل برگزیده‌اند. از جمله می‌توان به ماده ۱۰۲ بخش ۳۵ قانون آمریکا در باب ثبت اختراع اشاره نمود که مدت ضرب‌الاجل را یک‌ساله در نظر گرفته است و افشای اختراع به صورت عمدی یا غیرعمدی تأثیری در قابلیت ثبت اختراع نخواهد داشت (جعفرزاده و سیدین، ۱۳۹۸: ۱۷۰). در ژاپن ضرب‌الاجل ۶ ماه تقنین شده بود که در اصلاحات سال ۲۰۱۶ به یک سال افزایش یافت^۳ (Shinneman, 2010: 11 - Sumida, 2018). این در حالی است که در بیشتر کشورهای اتحادیه اروپا ضرب‌الاجل به‌سختی موردپذیرش می‌باشد و افشای اختراع تنها به موارد منحصر و مشخصی محدود می‌گردد و لذا جز در موارد کاملاً استثنایی، هرگونه فروش یا انتشار اختراع قبل از تقاضای ثبت و در هر نقطه از جهان، ثبت اختراع را ناممکن می‌سازد (Shinneman, 2010: 955-956). در ایران ماده ۴ قانون ثبت اختراع، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ضرب‌الاجل شش‌ماهه را، پیش از تاریخ تقاضا یا در موارد مقتضی پیش از تاریخ حق تقدم، برای ثبت اظهارنامه پیش‌بینی کرده است. گرچه این ماده در مقایسه با قوانینی که فاقد مهلت ارفاقی می‌باشند و یا قلمرو استفاده از آن بسیار مضیق است، نقطه‌ای مثبت به شمار می‌آید، لیکن این مدت در مقایسه با قوانین کشورهای پیشرو در زمینه نوآوری باز بسیار اندک و مستلزم اصلاح می‌باشد؛ به‌ویژه آن‌که در طرح حمایت از مالکیت صنعتی نیز تغییری در مدت ضرب‌الاجل داده نشده

ناشی از اختراع مشترکا به آنان تعلق می‌گیرد.^۱ این مقرره اجمالی قواعد حاکم بر اختراع مشاع را تابع احکام اموال مشاع می‌نماید که اشکالاتی را به همراه می‌آورد (محمدزاده وادقانی، ۱۳۸۷: ۳۳۷). مطابق با قواعد عمومی مالکیت، تصرف شریک در مال مشاع - به استثنای تصرفات متعارف - مستلزم اذن سایر شرکا می‌باشد (صفایی، ۱۳۸۵: ۱۹۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۲۱). صرف‌نظر از این‌که الزامات رضایت با چنین قلمرو وسیعی با خصیصه‌های نوآوری باز مغایر است، انطباق این قاعده کلی بر اختراعات مشترک نیز بسیار دشوار می‌باشد، چراکه نمی‌توان به سادگی تشخیص داد استفاده متعارف از اختراعات مشترک چه تصرفاتی را شامل می‌شود. به عنوان نمونه روشن نیست صدور مجوز و تجویز بهره‌برداری از اثر در فعالیتهای نوآورانه باز، در زمره بهره‌برداری‌های متعارف قرار خواهد گرفت یا خیر.

ب) افزودن مدت ضرب‌الاجل؛^۲ یکی از شرایط اساسی برای ثبت‌پذیری اختراعات، جدید بودن آنها است. مفهوم جدید بودن از یک سو بر این مهم دلالت دارد که در دانش یا فناوری‌های پیشین نتوان سابقه و ماندنی برای موضوع مدنظر پیدا نمود و از سوی دیگر یافته‌ها نباید پیش از ثبت در دسترس عموم قرار گرفته باشند (صادقی نشاط، ۱۳۸۹: ۱۸۳-۱۷۸). این موضوع موجب می‌شود که صاحبان دانش و فناوری تا پیش از ثبت آنها در قالب اختراع، از انتشار اطلاعات مربوطه خودداری نمایند. باوجوداین، در قوانین برخی کشورها یک بازه زمانی تحت عنوان مهلت ارفاقی / ضرب‌الاجل پیش‌بینی شده است که دسترسی عمومی در مدت مشخص، به‌تازگی و جدید بودن اثر لطمه وارد نمی‌سازد و قابلیت ثبت آن را از بین نمی‌برد. (Sadao & Yoichiro, 2015: 3) افزایش ضرب‌الاجل تأثیر بسزایی در ترویج و تسهیل فرایند نوآوری باز، دست‌کم برای جوامع متکی بر هنجارهای اجباری مغایر با اصول نظام ثبت اختراع، دارد. به‌عنوان نمونه هنجار غالب در جوامع دانشگاهی و شرکت‌های دانش‌بنیان بر این دیدگاه متکی است

۱. لازم به ذکر است که در مقررات ایران تعریف دقیقی از آثار مشرک وجود ندارد. عبارات ارائه شده در ماده فوق‌الذکر و همچنین ماده ۶ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای و دیگر مقرره‌های مشابه نیز تنها اشاره‌ای ناقص به مفهوم این آثار می‌باشند. محمدیان، مقدار (۱۳۹۵). *اشاعه مالکیت فکری*. تهران: نشر قانون بار. کلمبه، کلود (۱۳۸۵). اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان. ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی. تهران: نشر میزان.

2. Grace period.

۳. ماده ۳۰ قانون پتنت ژاپن.

هدف گام برمی‌دارد. باوجود این، گسترهٔ مصداقی نظام فعلی متناسب با نیازهای مدل سنتی نوآوری تدوین شده است و در رویارویی با الگوهای جدید نوآوری نه تنها به گسترش تولید و ارتقای دانش و تکنولوژی یاری نمی‌رساند بلکه می‌تواند به‌عنوان مانع نیز ظاهر گردد. در حال حاضر بسیاری از بهره‌بردارهای متداول کاربران بدون آن که حقوق صاحبان آثار را مختل سازد، نقض حقوق انحصاری پدیدآورنده خوانده می‌شوند. به‌عنوان نمونه نسخه‌برداری اثر در یک فرمت متفاوت و یا کپی کردن بخش کوچکی از اثر - با لحاظ نمودن هدف و یا کیفیت آن - می‌تواند مصداق تعدی به حقوق صاحبان آفرینه‌های فکری تلقی گردد. تردیدی نیست که صاحبان اندیشه و آثار فکری باید قدرتی برای محافظت از ایده‌ها و آفریده‌هایشان و مقابله با تقلید و سرقت آنها دارا باشند، لیکن مسئله قابل تأمل قلمرو امتیاز انحصاری اعطا شده برای دست یافتن به این اهداف است (Vallat, 2009: 17-30). در تشریح و تکمیل این مطالب لازم به توضیح است؛ در نظام‌های مالکیت فکری معیارهای مختلفی برای تبیین مصداق استثنائات وارد بر حقوق انحصاری پدیدآورندگان آثار فکری، مورد استفاده قرار می‌گیرد. معیار سه‌گام، دکترین استفاده منصفانه، دکترین استیفای حق و فهرست‌سازی متداول‌ترین این معیارها به شمار می‌آیند. قانون‌گذار ایران با پیروی از معیار فهرست‌سازی، در بند ج ماده ۱۶ و ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، ماده ۵ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، ماده ۶۳ قانون تجارت الکترونیکی و مواد ۷، ۸ و ۱۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، به شناسایی شماری از استثنائات مبادرت نموده است. از تجمیع این مواد و غور در آنها می‌توان نقل‌قول، بهره‌برداری شخصی و خصوصی، بهره‌برداری با هدف آموزشی و نیز مجوزهای بهره‌برداری اجباری را اصلی‌ترین مصداق فهرست شده دانست. این مصداق چالش‌های حقوقی فراوانی به همراه دارند که به چند مورد از مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد. در خصوص بهره‌برداری‌های شخصی و خصوصی،^۲ یکی از مشکلات اساسی تأویل کمیت و کیفیت این‌گونه بهره‌برداری‌ها می‌باشد. به‌واقع ضابطهٔ دقیقی برای تفکیک استفادهٔ شخصی از غیرشخصی و بهره‌برداری خصوصی از

است.^۱ البته باید دانست که برخی نظریه‌پردازان انتقاداتی بر افزایش ضرب‌الاجل وارد می‌سازند. آنها معتقدند افزایش مدت ضرب‌الاجل از یک‌سو باعث گسترش دامنهٔ اختراعات قابل ثبت و به‌تبع افزایش حقوق انحصاری خواهد شد و از سوی دیگر تأخیر در تجاری‌سازی و بالا رفتن هزینه‌های سرمایه‌گذاری را به دنبال دارد. در پاسخ به استدلال نخست باید اظهار داشت؛ چنین نظری متکی بر این پیش‌فرض می‌باشد که حقوق انحصاری مانعی در مسیر نوآوری باز به شمار می‌آیند و لذا لازم است با محدود کردن این موانع انگیزهٔ کافی برای ورود به فرایند نوآوری باز ایجاد گردد. لیکن در جای خود بحث شد که حقوق انحصاری نه تنها مانع نوآوری باز نمی‌باشند بلکه با برقراری تعادل میان حقوق صاحبان اختراع و جامعه به تشویق فعالیت‌های نوآورانه باز منجر خواهند شد. در خصوص استدلال دوم نیز تجربهٔ کشورها در افزایش مهلت ارفاقی نه تنها نتایج منفی در این زمینه را نشان نمی‌دهد بلکه بهبود درآمد دانشگاه‌ها و شرکت‌های نوین و کیفیت اظهارنامه‌های ثبت را نیز در پی داشته است (Shinneman, 2010: 955-956؛ جعفرزاده و سیدین، ۱۳۹۸: ۱۸۹-۱۹۵).

ج) بازنگری در نظام استثنائات؛ امکان دسترسی کاربران به محصولات، خدمات و فرایندها، لازمهٔ تحقق آرمان ارتقای رفاه اجتماعی در جوامع نوآوری باز می‌باشد. نوآوران باید بتوانند بدون آن که نگران نقض حقوق انحصاری پدیدآورندگان باشند، آفرینه‌های فکری و دانش/ فناوری مستتر در آنها را به کار بگیرند؛ زیرا تنها در این صورت است که نوآوران قادر به شخصی‌سازی محصولات/ خدمات، اصلاح و ارتقای دانش و فناوری، ایجاد آثار اشتقاقی و مانند آن می‌باشند. از سوی دیگر لازم است حقوق پدیدآورندگان به‌گونه‌ای محفوظ باقی بماند تا انگیزهٔ خلق و نوآوری از میان نرود. بحث تقابل منافع فردی خالقان اثر و صاحبان فناوری و منافع عمومی جامعه، یکی از مناقشه‌های دیرین در نظام مالکیت فکری می‌باشد که اهتمام برای ایجاد یک‌راه میانه را به یکی از دغدغه‌های اصلی دکترین حقوقی و واضعان قانون مبدل ساخته است. در نگاه کلی، نظام استثنائات نهادی می‌باشد که بدین منظور پیش‌بینی شده است و با مبانی و معیارهای خاص خود در جهت رسیدن به این

۱. برابر تبصره ۲ ماده ۱۱ طرح حمایت از مالکیت صنعتی (مصوب ۱۳۹۸)؛ چنانچه افشای اختراع ادعایی طرف مدت شش ماه قبل از تاریخ تقاضا یا در موارد مقتضی، قبل از تاریخ حق تقدم صورت گرفته باشد، مانع ثبت توسط مخترع یا نماینده وی نیست.

۲. استفادهٔ شخصی در ماده ۳۷ طرح حمایت از مالکیت صنعتی به استثنائات این حوزه افزوده شده است.

و اصول زیربنایی آن، به توسعه‌دهنده و برنامه‌نویس می‌دهد. با این روش کاربران می‌توانند بدون نیاز به کد منبع و از طریق تجزیه و تحلیل ورودی‌ها و خروجی‌ها، اصول حاکم بر کارکرد برنامه را دریابند. به این ترتیب اشخاصی غیر از دارنده حقوق انحصاری قادر خواهند بود تا از ایده‌ها و اصول اساسی یک برنامه برای ایجاد برنامه مستقل اما دارای قابلیت هم‌کنش‌پذیری و تغییر، استفاده نمایند. از این قسم مهندسی معکوس می‌توان برای کاهش اثرات منفی، همچون قفل کردن برنامه توسط تولیدکنندگانی که قصد دارند تغییر یک محصول یا خدمت را برای کاربر غیرممکن یا دشوار سازند، بهره جست. همچنین ماده ۶ دستورالعمل، استثنای دیگری تحت عنوان «دیکامپایل کردن»^۲ ارائه کرده است که شیوه دیگری از مهندسی معکوس به حساب می‌آید. دیکامپایل کردن به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن کد مقصد به شکلی که به کد منبع نزدیک می‌باشد، تبدیل می‌گردد. برخلاف تحلیل جعبه سیاه، دیکامپایل مستلزم دسترسی به کدها و نحوه عملکرد داخلی نرم‌افزار می‌باشد و تنها زمانی بدون اجازه دارنده حق انحصاری مجاز است که برای دستیابی به قابلیت همکاری یک برنامه مستقل از سایر برنامه‌ها، ضروری باشد. اعمال این استثنا منوط به وجود سه شرط است:

الف) شخصی که اقدام به دیکامپایل کردن می‌کند باید مجوز یا حق استفاده از خود برنامه را دارا باشد؛

ب) اطلاعات لازم برای این فرایند در دسترس نبوده و یا پیش‌تر افشا نشده باشند؛

ج) دیکامپایل کردن محدود به بخش‌هایی از برنامه اصلی باشد که برای دستیابی به قابلیت همکاری ضرورت دارد (Vallat, 2009: 31-33).

علی‌رغم آن‌که در تدوین این استثنائات تلاش شده است تا از منافع صاحبان حق و کاربران به شیوه مناسبی محافظت شود، لیکن استثنائات مذکور با این معیار اجرایی، به کاربرانی که قصد ایجاد و یا توسعه یک برنامه غیرمستقل را دارند، کمک نخواهد کرد. مضاف بر این، بدون وجود نوعی تکلیف قابلیت همکاری، هیچ تضمینی وجود نخواهد داشت که اطلاعات به‌صورت یکنواخت و کارآمد ارائه شوند تا نتیجه نهایی رضایت‌بخش باشد. اِشکالات این استثنائات به همین‌جا ختم نمی‌شوند و باید افزود که در خصوص سخت‌افزارها یا

عمومی در دست نمی‌باشد و وجود چنین نقصی در نظام استثنائات، اغلب با سابقه ذهنی رسوخ کرده در روش فهرست‌سازی جبران می‌گردد که دست‌آورد آن برهم خوردن تعادل به نفع پدیدآورندگان خواهد بود. به بیان دیگر؛ در معیار فهرست‌سازی تفسیر مضیق از استثنائات و حمایت موسع‌تر از انحصار پدیدآورنده، نگاه غالب است و این نگرش برای جوامع نوآوری باز مطلوبیت چندانی ندارد (حبیبی و شاکری، ۱۳۹۲: ۲۳۸-۲۳۲؛ شکاریان، ۱۳۹۰: ۸۰-۷۷)؛ همچنین در باب مجوزهای اجباری، از بررسی موارد مشمول این مجوزها برمی‌آید که دریافت مجوزهای اجباری تنها در فرض وجود ضرورت نفع عمومی یا اخلال در رقابت آزاد میسر می‌گردد. این امر بدان معنا است که ذی‌نفعان مجوزهای اجباری، منحصر به گروه خاصی می‌باشند و سایر اشخاص به‌منظور بهره‌برداری از اختراعات دیگران و خلق آثار جدید نیازمند مذاکره با پدیدآورندگان خواهند بود. امری که در بهترین حالت هزینه‌های تبادل سنگینی را به کاربران تحمیل خواهد کرد. مضاف بر این، فرایند اعطای مجوز اجباری بسیار طولانی و پیچیده می‌باشد که به‌وضوح با خصیصه سرعت در نوآوری منافات دارد (رهبری و یزدان‌دوست، ۱۳۹۷: ۳۸۷). در حقیقت باید اذعان داشت که مصادیق موجود، برای تأمین اهداف جوامع نوآوری باز مکفی نمی‌باشند؛ زیرا این استثنائات تنها اهداف یا کاربران مشخصی - همچون محققان مشارکت‌کننده در فرایند نوآوری باز - را پوشش می‌دهند و به دور از عرف قضایی می‌باشد که کاربران نوآور به‌عنوان محقق شناخته شوند. به‌منظور دست یافتن حداکثری به مزایای مدل نوآوری باز لازم است اکوسیستم نوآوری برای بارورسازی تبادل متقابل دانش، فناوری، تجربه و ایده‌ها مساعد باشد (Vallat, 2009: 17-30). در برخی قوانین پیشنهادی نظیر قانون مالکیت فکری اتحادیه اروپا، تحول نظام استثنائات سنتی به سمت یک تعادل نسبی مدرن، با برنامه‌های رایانه‌ای و خدمات مبتنی بر وب آغاز شده است. اتحادیه اروپا طی دستورالعمل برنامه‌های رایانه‌ای معیار قابلیت همکاری را برای شناسایی برخی استثنائات، به رسمیت می‌شناسد و بر اساس آن مصادیق جدیدی از استثنائات را معرفی می‌نماید. نخستین مصداق، نوعی از مهندسی معکوس تحت عنوان «تحلیل جعبه سیاه»^۱ می‌باشد که اجازه مشاهده، مطالعه و یا آزمایش عملکرد یک برنامه را به‌منظور درک ایده‌ها

می‌گردد، آزادی خود در اعطای مجوز را با بهره‌های مالکانه گسترده‌ای که از کاربران دریافت خواهند داشت، تهاتر می‌نمایند. به بیان دیگر؛ قرار گرفتن یک فناوری در لیست استانداردهای رسمی، سهم توزیع شده کاربران میان فناوری‌های مشابه و جایگزین را به فناوری استاندارد شده اختصاص خواهد داد و از این رو افزایش چشم‌گیر تقاضای بهره‌برداری از آن فناوری را در پی خواهد داشت. در ازای این امتیاز ویژه، صاحبان فناوری متعهد می‌شوند تا از آزادی خود در انتخاب مجوزگیرنده و شرایط اعطای مجوز انصراف دهند و مجوز بهره‌برداری از فناوری را برای هر کاربر یا مجری استاندارد می‌کنند که پرداخت بهره مالکانه را می‌پذیرد، صادر نماید.^۱ نمونه این الزام توسط مؤسسه استانداردهای ارتباطات اروپا برقرار شده است که به موجب یک تعهد غیرقابل فسخ، مالک فناوری، اعطای مجوز منصفانه، معقول و غیرتبعیض‌آمیز را در یک بازه زمانی سه ماهه می‌پذیرد. چنین توافقی می‌تواند یک معامله برد-برد را برای کاربران و صاحبان فناوری به ارمغان آورد؛ زیرا از یک سو ترجیح کاربران بر آن است که بهره مالکانه را در ازای بالاترین استانداردها پرداخت نمایند و به این طریق از مزایای مطابقت همگانی آنها در بازار بهره‌مند گردند. از سوی دیگر تحصیل سود پس از استهلاک هزینه‌های تحقیق و توسعه، مطلوب صاحبان فناوری می‌باشد (رهبری و یزدان‌دوست، ۱۳۹۷: ۳۸۴-۳۸۱). در حقوق ایران پیش‌بینی خاصی به منظور تقویت اثرات مثبت شبکه و آزادی دسترسی به دانش و فناوری در جوامع نوآوری باز دیده نمی‌شود. گرچه در یک استنباط کلی از مقررات موجود، مهندسی معکوس اصولاً با مانع قانونی مواجه نمی‌باشد لیکن این امر جوامع نوآوری باز را در دست یافتن به اهدافشان یاری نخواهد کرد. در غیاب مقررات خاص آمرانه، تدابیر فنی و توافقات قراردادی همواره مسیر مهندسی معکوس را که از نگاه صاحبان آثار راهی برای تقلب و تصاحب فناوری آنها می‌باشد، مسدود خواهد نمود. به علاوه تجویز مهندسی معکوس به صرف این‌که ایده‌ها مورد حمایت نمی‌باشند، می‌تواند نتایج ناخوشایندی را برای دنیای نوآوری در پی داشته باشد (السان، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۰). به بیان دیگر؛ نظام مالکیت فکری ایران در موارد متعددی، با کاربر

به‌طور کلی سایر اختراعات هیچ‌گونه استثنائی در قالب قابلیت همکاری وجود ندارد. امری که باعث رد شدن طرح ثبت‌نام اختراعات مبتنی بر رایانه توسط پارلمان اروپا در سال ۲۰۰۵ گردید و پس از آن استدلال شد که وجود یک استثنای مشابه در قانون ثبت اختراع بسیار مفید و ضروری می‌باشد. در واقع به‌منظور شکوفایی مزایای نوآوری باز از طریق سکوه‌های کاملاً قابل تعامل، لازم است یک استثنای قابلیت همکاری عام که ظرفیت بسط دادن به نظام‌های مالکیت فکری مختلف را دارا باشد، در نظر گرفته شود. در نهایت آنچه این استثنائات را در بوتۀ عمل به چالش می‌کشد کیفیت بودن اصطلاح قابلیت همکاری است که تفاسیر غیرواحد را به دنبال خواهد داشت. این مسئله که افشا چه میزان اطلاعات برای برآورده ساختن قابلیت همکاری الزامی می‌باشد، استثنائات مذکور را مستعد بحث و اختلاف می‌نماید (Vallat, 2009:33-36). امری که دعوی مایکروسافت و کمسیون جوامع اروپایی را به منازعه‌ای پیچیده و طولانی مبدل ساخت. در حقیقت بخش عمده‌ای از این اختلاف به تفسیر کمیسیون از اصطلاح قابلیت همکاری انعکاس یافته در دستورالعمل باز می‌گشت. کمیسیون افشای اطلاعاتی را درخواست نموده بود که آنها را برای تأمین قابلیت همکاری ضروری می‌انگاشت. درحالی‌که بنا به ادعای مایکروسافت افشای چنین اطلاعاتی امکان شبیه‌سازی سرور ویندوز را برای رقبای وی فراهم می‌آورد. به همین جهت مایکروسافت درخواست افشای این اطلاعات را تعدی به حقوق انحصاری خود عنوان کرد و دادخواست نقض تصمیم کمیسیون را روانۀ دادگاه نمود. دعوی مذکور دکترین حقوقی را به سمت این اندیشه سوق داد که معیار قابلیت همکاری باید به شیوه‌ای مؤثرتر تقویت شود تا بستر تعمیم آن به همه زیرشاخه‌های مالکیت فکری فراهم گردد. بدین ترتیب استانداردسازی از طریق به‌کارگیری استانداردهای باز به‌عنوان کارآمدترین گزینه مورد توجه قرار گرفت (Vallat, 2009:33-36-39). Tamura, 2014: 36-39). در تعریف استاندارد باز آمده است؛ مجموعه‌ای از مشخصات و الزامات فنی در دسترس عموم می‌باشند که در یک سازمان تنظیم استاندارد تأیید/ تصویب و نگهداری می‌شوند و اجازه به‌کارگیری و اجرای این مشخصات فنی توسط سازندگان/ توسعه‌دهندگان آنها تحت شرایط معقول و غیرتبعیض‌آمیز- با یا بدون بهره مالکانه- به همه علاقه‌مندان و مجریان واجد شرایط اعطا می‌گردد (Vallat, 2009:36-37). در این روش صاحبان حقوق انحصاری که فناوری اختراعات آنها به‌عنوان استاندارد تعیین

۱. این مجوزها به مجوزهای فرند/رند شهرت دارند که مخفف عبارت Fair, Reasonable and Non-Discriminatory (FRAND) Licensing می‌باشند.

مجوزدهندگان نباید استفاده از اختراع/ خدمت را صرفاً برای مقاصد خاصی نظیر تحقیق یا توسعه علمی مجاز نمایند و یا الزاماتی همچون ضرورت گزارش‌دهی در خصوص هدف یا نحوه استفاده را برقرار سازند (جعفرزاده و عمروانی، ۱۳۹۳: ۱۱۶؛ Kowalski, 2007: 1329). در مقابل، آزادی در نوآوری برای کاربران این امکان را فراهم می‌سازد تا به‌واسطه شخصی‌سازی اثر، آن را به‌گونه‌ای تغییر دهند که با اهداف و کارکردهای مورد نظر خود منطبق گردد. به همین جهت آزادی در نوآوری، گستره آزادی را تا امکان اصلاح، ارتقا و توزیع مجدد یک اثر توسعه می‌دهد (Schultz & M. Urban, - 2012: 21؛ جعفرزاده و عمروانی، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

ب) الزام و تعهد به باز بودن: این اصل را می‌توان با دو مؤلفه شناسایی کرد. اولین مؤلفه باز بودن دسترسی معنادار به دانش مربوط به کالاهای اطلاعاتی است و ابزار اصلی که جوامع نوآوری باز را به این مؤلفه متعهد می‌نماید به اشتراک‌گذاری بلوک‌های اصلی سازنده دانش و تکنولوژی - به‌عنوان مثال کد منبع در نرم‌افزارها، طرح‌هایی که سخت‌افزار را توصیف می‌کنند در سخت‌افزارها، توالی‌های ژنتیکی در زیست‌شناسی و غیره - و سپس اجرای آن از طریق مجوزهای باز است. دومین جنبه باز بودن از خود دانش و فناوری فراتر می‌رود و به شفافیت و ماهیت غیر تبعیض‌آمیز شرایط قانونی و ضوابط اجرایی مجوزهای نوآوری باز اشاره می‌نماید. البته لازم به ذکر است که دو جنبه دیگر یعنی کارکردپذیری مشترک و بی‌طرفی دانش و تکنولوژی نیز وجود دارد که به‌نوعی برگرفته از همان جنبه شفافیت نظام حاکم بر نوآوری باز می‌باشد (Schultz & M. Urban, 2012: 22-24).

ج) هزینه‌ها و مزایای توزیع شده: این اصل به‌منظور تشویق تولید و پیشرفت دانش و تکنولوژی بر استفاده از شبکه‌های غیرمتمرکز و مکانیسمی که هم هزینه و هم مزایا را در سراسر شبکه توزیع می‌کند تأکید می‌نماید (Schultz & M. Urban, 2012: 22-24).

د) قابلیت اطمینان؛ درواقع تضمین پایبندی به الزامات هنجاری از قبیل آزادی، باز بودن و مزایای توزیع شده یک اصل کلیدی دیگر در جوامع نوآوری باز، به‌ویژه جوامعی که بر مبنای اصول داوطلبانه یا دیگر مبانی غیرمالی فعالیت می‌نمایند، است. قابلیت اطمینان از طریق کنترل غیررسمی هنجارها توسط جوامع و یا کنترل به‌موجب ساختارهای رسمی - نظیر مجوزها - محقق می‌شود و نه تنها به متقاعد کردن اعضا برای مشارکت در نوآوری باز از طریق ایجاد اعتماد و مسئولیت کمک

استدلال‌هایی نظیر تعلق ایده‌ها به دارایی‌های عمومی، انتزاعی بودن ایده‌ها و معادل دانستن ایده با اختراع، بر عدم حمایت از ایده‌ها صحه می‌گذارد که از جمله می‌توان به ماده ۲۱ و ۴ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری اشاره نمود. این در حالی است که برای برخی از ایده‌ها در مرحله ایده‌پردازی هزینه‌های مالی و زمانی زیادی صرف شده است که عدم حمایت از آنها نتایج ضد توسعه برای نوآوری و به طور خاص برای نوآوری باز به همراه خواهد داشت؛ زیرا همان‌گونه که ذکر شد جریان آزاد دانش نباید به معنای امکان تقلب و کپی کردن ایده‌های دیگران تعبیر گردد (اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۲۰؛ محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۱۹). لذا با توجه به انقلاب روش‌های نوآوری، بر هم زدن سازه‌های تعادلی و بازبینی در نظام استثنائات ضرورتی حتمی می‌باشد که تجربه عملی دیگر کشورها در زمینه استانداردهای باز می‌تواند نقش یک راهنما را ایفا نماید.

راهبردهای موجود در زمینه نوآوری باز

با توجه به ویژگی‌های خاص نوآوری باز لازم است تا پیش از بررسی راهبردهای موجود کالبد و چارچوبی جهت ارزیابی این راهبردها ارائه شود تا بر اساس آن مزایا و معایب هر روش مشخص گردد و به یک نگرش جامع برای اتخاذ راهبرد مناسب توسط سازمان‌های درگیر در نوآوری باز منجر شود.

چارچوب ارزیابی راهبردهای موجود در زمینه نوآوری باز

از نظریه‌ها، ارزش‌ها و رویه‌ها در جوامع نوآوری باز چندین اصل مشتق می‌گردد که این اصول و روش‌شناسی‌ها می‌توانند در خصوص چگونگی طراحی یک راهبرد مؤثر مالکیت فکری در زمینه نوآوری باز به کار گرفته شوند:

الف) الزام و تعهد به آزادی؛ اولین و مهم‌ترین اصل هنجاری در جوامع نوآوری باز آزادی است که اصولاً دو نوع آزادی را پوشش می‌دهد؛ آزادی در استفاده^۱ و آزادی در نوآوری^۲. آزادی در استفاده بدان معنا است که نوآوران بتوانند بدون آن‌که در هدف یا نحوه بهره‌برداری محدودیتی داشته باشند از یک اختراع یا خدمت منتفع گردند. به دیگر سخن؛

1. Freedom to operate
2. Freedom to innovation

نیست. در واقع این اطلاعات زمانی به‌عنوان دانش پیشین مؤثر خواهند بود که در دسترس عموم و از جمله ارزیابان ثبت اختراع، قضات دادگاه و کارشناسان و غیره قرار گیرند؛ لذا هزینه‌های جستجوی این اطلاعات می‌تواند موانعی برای اثربخشی این روش به وجود آورد که خود زائیده دو مشکل عملی می‌باشد؛ نخست آنکه حجم زیاد اطلاعات ایجاد شده توسط جوامع نوآور باز به‌صورت خودکار و به‌طریقی که مورد نیاز قضات، وکلاء، بازرسان ثبت اختراع و ... است سازمان‌دهی نمی‌شوند بلکه بیشتر برای مهندسين منتشر می‌گردند (مثل انتشار کد منبع نرم‌افزارها)؛ دوم، وکلای ثبت اختراع به‌منظور خنثی کردن انتشار تدافعی اغلب تلاش می‌کنند که ادعاهای ثبت اختراع را با عبارات و کلماتی به‌غیر از آنچه یک مهندس یا مخترع سنتی در این زمینه استفاده می‌کند توصیف نمایند (Schultz & M. Urban, 2012: 27-30).

ب) تعهدات حق انحصاری؛ تعهداتی هستند که به‌موجب آنها صاحب حق انحصاری وعده می‌دهد تا حق انحصاری خود را تحت شرایط خاصی به اجرا درنیآورد. به‌لحاظ قانونی مکانیسمی که با استفاده از آن می‌توان این تعهدات را معتبر دانست استاپل یا مجوز ضمنی می‌باشد. گرچه این تعهدات برای تمام مدت حمایت ادامه دارند و از این حیث معیار دیرپایی را تأمین می‌نمایند لیکن از آنجا که بهره‌برداری اعضا از مزایای قانونی تعهد، منوط بر اثبات وجود نوعی استاپل (اعتماد) یا مجوز ضمنی است محدودیت‌هایی را به وجود می‌آورد. علاوه بر این در چنین روشی هیچ الزامی به دوجانبه و متقابل بودن یا ویروسی بودن تعهد- به‌ویژه برای محتکران- وجود ندارد که این امر می‌تواند اصل باز بودن را به مخاطره بیندازد. مسئله اندازه و قلمرو تعهد که می‌تواند اصل شفافیت را با تنش مواجه سازد نیز به‌عنوان عاملی برای عدم کارایی این شیوه مطرح می‌گردد به‌خصوص آن که هیچ ادبیات قانونی استاندارد برای چنین تعهداتی وجود ندارد (Schultz & M. Urban, 2012: 30-33).

ج) مقررات صلح؛ شرایط ویژه‌ای در مجوزهای جوامع نوآوری باز می‌باشند که بر چشم‌پوشی هر مجوزگیرنده از طرح دعوی ثبت اختراع علیه مجوزدهنده و در برخی مواقع علیه سایر مجوزگیرندگان یا کاربران همان دانش یا تکنولوژی دلالت دارند. این راهبرد نیز گرچه برخی معیارهای شفافیت نظیر دیرپایی را تأمین می‌نماید لیکن بازهم در خصوص حقوق انحصاری آتی یا حقوقی که به اشخاص ثالث منتقل می‌شوند ناکارآمد خواهد بود زیرا آنان می‌توانند ادعا نمایند هیچ رابطه

می‌کند بلکه تضمینی ارائه می‌دهد که مشارکت آنها مطابق تعهدات هنجاری نیز باقی می‌ماند. با این اوصاف به نظر می‌رسد که دست‌کم دو ویژگی مجزا از قابلیت اطمینان برای عملکرد جوامع نوآوری باز حائز اهمیت است؛ دیرپایی^۱ (طول عمر و دوام طولانی) و استحکام^۲ (قدرت)^۳ (Schultz & M. Urban, 2012: 25-26).

اکنون با در نظر گرفتن این اصول، راهبردهای موجود مورد تحلیل و بررسی قرار خواهند گرفت.

راهبردهای موجود

در حال حاضر پیشنهادها و روش‌های مختلفی برای حمایت از هنجارهای جوامع نوآوری باز، تشویق و توسعه این فرایند و نیز مقابله با مالکیت‌های فکری مشکل‌ساز مطرح شده است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد.

الف) انتشار تدافعی؛ در این روش به‌جای تمرکز بر تحصیل حق انحصاری، تلاش می‌گردد تا از طریق انتشار اطلاعات مربوط به جامعه نوآور باز- به‌منظور ایجاد دانش پیشین- مانعی بر مسیر دستیابی به حقوق انحصاری ایجاد شود و به این طریق از تهدیدهای احتمالی آتی جلوگیری به عمل آید. این رهیافت که در بحث ثبت اختراع اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد، جهت حرکت خود را به سمت محدود کردن قابلیت ثبت‌پذیری تراوشات ذهنی مبتکران در چارچوب ثبت اختراع سوق می‌دهد (Boettiger, 2007: 882). در حقوق ایران نیز ضرورت وجود شرط «جدید بودن» برای قابلیت ثبت‌پذیری اختراعات نشان از امکان به‌کارگیری چنین راهبردی دارد (صادقی نشاط، ۱۳۸۹: ۱۸۳-۱۷۸) (بند ه ماده ۴ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری). این روش از یک‌سو با اصل باز بودن سازگار است و از سوی دیگر مزایا در آن توزیع می‌شوند زیرا امکان استناد به این مانع برای همه اعضای جامعه نوآور باز در دعوی نقض حقوق انحصاری وجود خواهد داشت. باوجود این یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های روش انتشار تدافعی این است که گرچه صرف انتشار اطلاعات لازم می‌باشد؛ اما برای آن که به‌عنوان دانش پیشین به کار گرفته شود کافی

1. Longevity.

2. Robustness.

3. Gomulkiewicz, Robert. W. (2014), Open Source License Proliferation: Helpful Diversity or Hopeless Confusion, *Journal of Law & Policy*, Vol. 30, pp 260-291. available at: <<http://ssrn.com/abstract=1280593>> (last visited on 2019/ 6/10).

را ايجاب می‌نماید که می‌توان از آن تحت عنوان «مجوز ثبت اختراع دفاعی»^۶ یاد کرد (Schultz & M. Urban, 2012: 38). به دلیل جایگاه خاص ثبت اختراع در نوآوری باز (Hagedoorn & Zobel, 2015: 1055-1057) این مدل بر ثبت اختراع متمرکز است اما تا حدودی که مغایر با اصول بنیادین سایر اقسام حقوق مالکیت فکری نباشد به آنها نیز قابل تعمیم خواهد بود. در واقع مدل مجوز ثبت اختراع دفاعی طراحی شده است که از یک سو مخترع نوآوری خود را با التزام و تعهد به هدف دفاعی ثبت نماید و از سوی دیگر به هرکسی که این تعهد را اجرا می‌کند مجوز بدهد. این مدل از طریق ایجاد مجموعه‌ای از تعهدات دوجانبه و ویروسی که بر پیش‌گیری از طرح دعاوی ثبت اختراع تهاجمی تمرکز دارد، برای هر کاربر مجوز ثبت اختراع دفاعی، یک مجوز دائمی و جهانی نسبت به مجموعه کامل سید اختراعات ثبت شده جاری و آتی دیگر کاربران مجوز ثبت اختراع دفاعی، فراهم می‌آورد، مشروط بر این که ۴ شرط ذیل مورد پذیرش واقع گردد:

الف) کاربر مجوز ثبت اختراع دفاعی (مجوزدهنده یا مجوزگیرنده) از طرح هرگونه دعوی نقض ثبت اختراع که به صورت تهاجمی باشد، ممنوع خواهد بود؛

ب) هر کاربر مجوز ثبت اختراع دفاعی مجموعه کامل سید اختراعات ثبت شده فعلی و آینده خود را تحت مجوز ثبت اختراع دفاعی ارائه نماید؛

ج) کاربر مجوز ثبت اختراع دفاعی باید هر جانشینی را که از هر بخش از سید اختراعات ثبت شده منتفع می‌شود مطابق تعهدات مجوز ثبت اختراع دفاعی پیوند بدهد؛

د) اگر یک کاربر مجوز ثبت اختراع دفاعی مایل به توقف ارائه ثبت اختراع‌های خود تحت مجوز ثبت اختراع دفاعی باشد می‌تواند این کار را انجام دهد، لیکن این امر با اطلاع ۶ ماهه قبلی به کاربران فعلی و آینده ممکن خواهد بود. این کاربر باید به اعطای هرگونه مجوزی که پیش از پایان دوره اعلان اتفاق می‌افتد ادامه دهد و نباید آن را لغو کند. زمانی که این کاربر ارائه مجوز ثبت اختراع دفاعی خود را متوقف می‌سازد، دیگر کاربران آزاد خواهند بود تا مجوز خود را ملغی نمایند. باوجود این مجوزهای ثبت اختراع دفاعی که این کاربر پیش‌تر به چنین کاربرانی داده است همچنان در حال اجرا باقی خواهند ماند. تمام مجوزهای ثبت اختراع دفاعی برای طول مهلت اعتبار ثبت

سازمان‌یافته‌ای مطابق قانون یا قرارداد با مجوز دهنده اصلی ندارند (Schultz & M. Urban, 2012: 33-34).

د) ائتلاف‌های فناوری؛ کنسرسیوم یا سازمان‌هایی می‌باشند که حقوق انحصاری را به منظور اتحاد منابع خود، برای یک هدف واحد، جمع‌آوری می‌نمایند. یک نمونه بارز از این ائتلاف‌ها، توافق‌های ائتلافی ثبت اختراع^۱ است. توافق‌های ائتلافی می‌توانند ساختارهای متفاوتی داشته باشند که بحث مفصل در این خصوص به منابع مربوطه واگذار می‌گردد (صادقی و جعفری چالستری، ۱۳۹۵: ۱۱۴). ائتلاف‌ها به دلیل ارائه فهرستی از تمام ثبت اختراع‌هایی که در برمی‌گیرند و نیز به جهت قابلیت دسترسی برای هر نهادی که انتخاب می‌کند تا با شرایط آن موافقت نمایند (معمولاً مهم‌ترین شرط بازگرداندن مجوز^۲ می‌باشد)، به نوعی ضوابط شفافیت و غیرتبعیض‌آمیز بودن را پوشش می‌دهند. لیکن این شبکه‌ها می‌توانند ثبت اختراع‌های خود را به صورت یکجا به شخص ثالثی منتقل نمایند که قادر خواهد بود جوامع نوآوری باز را هدف یک حمله تهاجمی قرار دهد (Schultz & M. Urban, 2012: 34-37).

ه) صدور مجوز؛ مجوزها به عنوان یکی دیگر از راهبردها می‌توانند بر اساس نوع دانش (دانش پس‌زمینه‌ای، دانش پیش‌زمینه‌ای، دانش جانبی و دانش توسعه‌یافته پس از اتمام همکاری) یا مدل کسب‌وکار اشکال متفاوتی به خود بگیرند. به عبارت دیگر می‌توان با معرفی مجوزهای پایه نظیر مجوزهای کلی^۳ (پتو)، مجوزهای تضمین بازگشت مجدد^۴ مجوزهای متقابل^۵ و ... و با در نظر گرفتن دو خصیصه انحصار و امکان صدور مجوز مجدد توسط مجوزگیرنده، طیف وسیعی از احتمالات را در طراحی مجوزها- خواه به صورت مستقل خواه به صورت ترکیبی- به وجود آورد که هر سازمان یا نهاد درگیر در نوآوری باز را قادر به اتخاذ نوع خاصی از مجوزها به فراخور شرایط، نوع دانش و فناوری و سایر عوامل مؤثر خواهد نمود (Bogers et al, 2012: 41-44). باوجود این، توجه به نقاط ضعف و قوت راهبردهای پیش‌تر بیان شده و نیز هنجارهای حاکم بر جوامع نوآوری باز، طراحی یک مدل مجوز استاندارد، به منظور تشویق ایجاد یک شبکه غیرمتمرکز گسترده

1. Patent pools
2. License back
3. Blanket license
4. Grant- back license
5. Cross- license

6. Defensive patent license

مهلت ۶ ماهه برای پایان دادن به کنش دفاعی و ضمانت اجراهای توقف مجوز ثبت اختراع دفاعی جهت خنثی کردن ترفندهای بازی می‌توانند قابلیت اطمینان را در جوامع نوآوری باز تضمین نمایند (Schultz & M. Urban, 2012: 45-59).

بحث و نتیجه‌گیری

مزایای فرایند نوآوری باز و حرکت در چرخه رقابت فزاینده جهانی، در حال افزایش نفوذ این مدل از نوآوری در اغلب حوزه‌های دانش و فناوری می‌باشد که این امر به نوبه خود تدارکات حقوقی را به منظور قابلیت اجرایی و بیشینه‌سازی این مزایا ایجاب می‌نماید. از جمله مسائلی که فرایند نوآوری باز را به قلمرو حقوقی پیوند می‌زند بحث مالکیت فکری می‌باشد. در جدال میان بودن یا نبودن مالکیت فکری به‌عنوان ابزاری مشوق یا تضعیف‌کننده می‌توان از کارکردهای متفاوت مالکیت فکری از یک سو و تبدیل آن به ابزارهای مشوق از سوی دیگر، دفاع نمود مشروط بر این که این کارکردها به درستی درک شده و تمهیداتی در جهت برآورده‌سازی آنها صورت پذیرد. از آنجا که اقدام قانون‌گذاران در برقراری یک نظم عمومی چشم‌اندازی طولانی مدت خواهد بود می‌توان آن را به‌عنوان یک گزینه ثانویه در نظر گرفت و با تکیه بر راهبردهای موجود نظیر انتشار تدافعی، مقررات صلح، مجوزها و غیره یک نظم خصوصی را برای پاسداشت هنجارهای جوامع نوآوری باز و نیز حمایت و ترغیب در ملحق شدن به این فرایند به وجود آورد. با تکیه بر ارزش‌های جوامع نوآوری باز و با توجه به نقاط ضعف و قوت هر یک از این راهبردها می‌توان مدل مجوز ثبت اختراع دفاعی را به‌عنوان راهی جهت برون‌رفت از چالش‌های کنونی در نظر گرفت و به تقویت آن پرداخت.

منابع

- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۴). «آثار مورد حمایت در حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری ایران و شرایط آن». فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع). دانشگاه امام صادق (ع). شماره ۲۸. صص ۳۴-۷.
- اصغری آق‌مشهدی، فخرالدین (۱۳۹۱). درآمدی بر حقوق مالکیت فکری. بابلسر: نشر دانشگاه مازندران.
- السان، مصطفی (۱۳۹۴). «جنبه‌های حقوقی مهندسی معکوس». مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۹. شماره ۸۹.

اختراع غیرقابل فسخ می‌باشند مگر این که یک یا چند شرط از شروط فوق برآورده نشود یا کاربر مطابق بند ۴ عمل نماید. در نتیجه اگر یک صاحب مجوز دعوی نقض ثبت اختراع تهاجمی علیه کاربران دیگر طرح نماید یا شبکه را ترک کند، پس‌از آن هر کاربر مجوز ثبت اختراع دفاعی می‌تواند در هر زمانی مجوز ثبت اختراع دفاعی متخلف را نسبت به ثبت اختراع‌های خود لغو نماید و به انتخاب خود حق امتیاز یا دعوی و عملیات اجرایی علیه او را دنبال کند. همچنین به منظور ایجاد شفافیت و افزایش قابلیت اجرایی لازم است اطلاعات مشخصی در خصوص کاربران مجوز ثبت اختراع دفاعی شبکه از طریق وب‌سایت متمرکز یا یک پایگاه داده ردیابی عقبه^۱ در دسترس قرار گیرد (Schultz & M. Urban, 2012: 38-40).

در تحلیل نهایی می‌توان گفت که چون این مجوزها مستلزم دسترسی یکسان و آزادانه برای هر کاربر می‌باشند مزایای این مجوزها و هر مجوز مازادی که تحت مجوز ثبت اختراع دفاعی ارائه می‌گردد، میان همه صاحبان مجوز توزیع می‌شود. همچنین صدور مجوزهای متقابل از طریق حذف ضرورت مذاکرات پرهزینه برای دریافت مجوز و کاهش هزینه‌های دستیابی به اطلاعات، به توزیع هزینه‌ها منجر می‌گردد. از سوی دیگر مدل ارائه شده به ارزش‌های جامعه نوآوری باز احترام می‌گذارد چراکه تمامی کاربران باید به سایر کاربران مجوز ثبت اختراع دفاعی، آزادی در استفاده و نوآوری را بدهند و ثبت اختراع‌های خود را به صورت شفاف و بی‌طرفانه عرضه نمایند. به‌علاوه اگرچه مجوز ثبت اختراع دفاعی، دفاع مستقیمی در برابر محکمران ارائه نمی‌دهد اما از آنجا که هر مجوز ثبت اختراع دفاعی جز در موارد استثنا قطعی و غیرقابل فسخ است و کاربر متعهد می‌شود که هر جانشینی را به شرایط مشابه ملزم سازد، هرگونه انتقال ثبت اختراع به محکمر مستلزم احترام منتقل‌الیه به تعهدات مجوز ثبت اختراع دفاعی خواهد بود؛ زیرا در غیر این صورت انتقال‌دهنده موظف به اجرای تعهد جانشین می‌شود یا متحمل عواقب نقض تعهد می‌گردد. از منظر دیگر عواملی نظیر شرط «مسافرت با ثبت اختراع» که نهاد جدید را نیز ملزم به تعهدات مجوز ثبت اختراع دفاعی می‌نماید، مدل «همه‌چیز» که از نگرانی عرضه ثبت اختراع‌های بی‌ارزش و حفظ ثبت اختراع‌های باارزش می‌کاهد،

۱. عقبه بخشی از یک سیستم کامپیوتری است که مستقیماً با کاربر سروکار ندارد.

- صص ۵۴-۳۱. خصوصی. دانشگاه علامه طباطبائی. دوره ۴. شماره ۱۴. صص ۱۳۳-۱۰۹.
- صادقی نشاط، امیر (۱۳۸۹). حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- صفایی، حسین (۱۳۸۵). اشخاص و اموال. چاپ پنجم. تهران: نشر میزان.
- صفدری رنجبر، مصطفی؛ منطقی، منوچهر؛ توکلی، غلامرضا (۱۳۹۳). «نوآوری باز: نگاهی جامع بر مفاهیم، رویکردها، روندها و عوامل کلیدی موفقیت». فصلنامه رشد فناوری. جهاد دانشگاهی - مرکز رشد رویش. دوره ۱۰. شماره ۴۰. صص ۱۷-۱۰.
- عباسی، سیمین؛ اخگر، بابک؛ باقری، محمود (۱۳۹۱). مدیریت حقوق مالکیت فکری (اختراع، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی). تهران: نشر جنگل، جاودانه.
- قاسمی، محمد؛ بیگی‌راد، الهام؛ مارگیر، علی؛ شیخانی، محسن (۱۳۹۶). «بررسی نقش نوآوری استراتژیک و نوآوری باز بر عملکرد شرکت‌های فعال در منطقه ویژه اقتصادی بوشهر». پژوهش‌های مدیریت عمومی. دانشگاه سیستان و بلوچستان. دوره ۱۰. شماره ۳۸. صص ۲۵۰-۲۲۵.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). اموال و مالکیت. چاپ بیست و هشتم. تهران: نشر میزان.
- کلمبه، کلود (۱۳۸۵). اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان. ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی. تهران: نشر میزان.
- محسنی، سعید؛ قبولی درافشان، محمد مهدی (۱۳۹۵). «بررسی حمایت حقوقی از ایده (مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه)». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی. دانشگاه تهران. دوره ۴۶. شماره ۱. صص ۱۳۷-۱۱۷.
- محمدزاده وادقانی، علیرضا (۱۳۸۷). «تأملی در آثار مشترک و جمعی در حقوق مالکیت فکری». فصلنامه حقوق. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. دوره ۳۸. شماره ۲. صص ۳۳۸-۳۲۵.
- محمدیان، مقداد (۱۳۹۵). اشاعه مالکیت فکری. تهران: نشر قانون‌یار.
- مدهوشی، مهرداد؛ کیاکجوری، کریم (۱۳۹۶). «شناسایی موانع نوآوری باز در دانشگاه‌ها». فصلنامه آموزش علوم دریایی. دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر. شماره ۱۱. صص ۱۵-۱.
- باقری‌نژاد جعفر؛ جاوید، غزاله (۱۳۹۳). «ارائه مدل نوآوری باز در صنعت بانکداری ایران (مطالعه موردی بانک پارسیان)». دو فصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی. جمعیت ایرانی پیشبرد ارتباط صنعت و دانشگاه. دوره ۲. شماره ۵. صص ۴۱-۲۱. جعفرزاده، میرقاسم؛ سیدین، علی (۱۳۹۸). «مهلت ارفاقی افشا در حقوق اختراعات». فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی. دوره ۷. شماره ۲۷. صص ۲۰۱-۱۶۷.
- جعفرزاده، میرقاسم؛ عمروانی، رحمان (۱۳۹۳). «لیسانس نرم‌افزارهای اپن سورس و حقوق رقابت: تعاملات و تعارضات». فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۶۸. صص ۱۴۰-۱۰۷.
- چسپرو، هنری (۱۳۹۶). نوآوری باز پارادایم نوین آفرینش و تجاری‌سازی فناوری. ترجمه کامران باقری. مرضیه شاوردی. چاپ چهارم. تهران: نشر رسا.
- حبیبیا، سعید؛ شاکری، زهرا (۱۳۹۲). «سه‌گام؛ آزمونی فراروی مصرف‌کنندگان آثار ادبی و هنری». مجله تحقیقات حقوقی. دوره ۱۶. شماره ۱. صص ۲۴۸-۲۰۹.
- خدمتگزار، محسن (۱۳۹۰). فلسفه مالکیت فکری. تهران: نشر میزان.
- رمضانپور، نرگسی قاسم؛ داوری، علی؛ افراسیابی، راحله؛ زرگران یزد، بهاره (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر عوامل درونی و بیرونی بر نوآوری باز» (مراکز تحقیقاتی وزارت صنایع و علوم). فصلنامه توسعه مدیریت فناوری. سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران با همکاری انجمن مدیریت فناوری ایران، دوره ۲. شماره ۱. صص ۴۶-۲۹.
- رهبری، ابراهیم؛ یزدان‌دوست، فاطمه (۱۳۹۷). «نقش لیسانس فرند فناوری در تسهیل فرایند تعیین استانداردهای فنی». مجله حقوق خصوصی. دوره ۱۵. شماره ۲. صص ۳۹۴-۳۷۳.
- سیدی، رضا؛ بابایی، ایازالله؛ سعد محمدی، مجید (۱۳۹۳). «نقش مدیریت مالکیت فکری در نوآوری باز». همایش بین‌المللی مدیریت. موسسه سفیران فرهنگی مبین. صص ۱۹۱-۱۷۸.
- شکاریان، مصطفی (۱۳۹۰). «محدودیت‌ها و استثنائات حقوق مؤلف و حقوق مرتبط در قانون نمونه واپیو و مقررات موضوعه ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- صادقی، محسن؛ جعفری چالشتی، محمود (۱۳۹۵). «تحلیل اقتصادی توافق ائتلافی اختراع». فصلنامه پژوهش حقوق

۳۴-۲۶

میرحسینی، حسن (۱۳۹۶). *مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی*. چاپ هفتم. تهران: نشر میزان.

منطقی، منوچهر؛ حسن‌آبادی، پریسا (۱۳۹۵). «الزامات گذر از نوآوری بسته به نوآوری باز». *فصلنامه رشد فناوری*. جهاد دانشگاهی - مرکز رشد رویش. دوره ۱۲. شماره ۴۶. صص

- Boettiger, Sara (2007). *Defensive Publishing and the Public Domain*. in: Krattiger, Anatole, Richard T., Mahoney, Lita, Nelsen et al, *Intellectual Property Management in Health and Agricultural Innovation: a handbook of best practices*, Vol. 1, pp 879- 895. available at: <www.ipHandbook.org> (last visited on 2019/ 9/2).
- Bogers, Marcel; Bekkers, Rudi; Granstrand, Ove (2012). *Intellectual Property and Licensing Strategies in Open Collaborative Innovation*. pp 37-58. available at:<http://www.marcelbogers.com/Pubs/Bogers-Bekkers-Granstrand_2012_ch3_Intellectual-Property-and-Licensing-Strategies-in-Open-Collaborative-Innovation.pdf> (last visited on 2019/ 8/25).
- Chesbrough, Henry; Ghafele, Roya (2014). Open Innovation and Intellectual Property: A Two-Sided Market Perspective, in: Chesbrough, Henry, Vanhaverbeke, Wim, West, Joel, *New Frontiers in Open Innovation*, pp 1- 16. available at:<<http://www.oxfordscholarship.com/page/privacy-policy>> (last visited on 2019/ 7/18).
- Czychowski, Christian (2014). Open Innovation: Legal Hurdles in the Creation of Contractual Arrangements Governing Idea Competitions?, pp 23-31. available at:<<https://www.jipitec.eu/issues/jipitec-5-1-2014/3904/citation>> (last visited on 2019/5/11).
- Da Silva, Mário A. P. M. (2018). "Open innovation and IPRs: Mutually incompatible or complementary institutions?". *Journal of Innovation & Knowledge*, pp 1-5. available at:<<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>> (last visited on 2019/8/30).
- Edler, Jakob; Cameron, Hugh; Hajhashem, Mohammad (2015). "The Intersection Of Intellectual Property Rights And Innovation Policy Making – A Literature Review". pp 1-80. available at:<https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo_report_ip_inn.pdf> (last visited on 2019/7/25).
- Gomulkiewicz, Robert. W. (2014). "Open Source License Proliferation: Helpful Diversity or Hopeless Confusion". *Journal of Law & Policy*, Vol. 30, pp 260- 291. available at:<<http://ssrn.com/abstract=1280593>> (last visited on 2019/ 6/10).
- Gorbatyuk, Arina; Van Overwalle; Geertrui, Van Zimmere, Esther (2016). "Intellectual Property Ownership in Coupled Open Innovation Processes". *Springer*, Vol. 47, pp 262- 302.
- Hagedoorn, John; Ridder, Ann-Kristin (2012). *Open innovation, contracts, and intellectual property rights: an exploratory empirical study*. pp 1-44. available at:<<https://cris.maastrichtuniversity.nl/portal/files/596640/guid-c9bb4a7a-899d-478b-af20-4703154c34e5-ASSET1.0>> (last visited on 2019/ 7/5).
- Hagedoorn, John; Zobel, Ann-Kristin (2015). "The role of contracts and intellectual property rights in open innovation". *Technology Analysis & Strategic Management*, Vol. 27, No.9, pp 1050- 1067.
- Kowalski, Stanley. P. (2007). *Freedom to Operate: The Preparations*. in:

- Krattiger, Anatole, Richard T., Mahoney, Lita, Nelsen et al, Intellectual Property Management in Health and Agricultural Innovation: a handbook of best practices, Vol. 2, pp 1329- 1343. available at: <www.ipHandbook.org> (last visited on 2019/ 9/2).
- Lampe, Ryan; Moser, Petra (2015). "Patent Pools, Competition, and Innovation Evidence from 20 US Industries under the New Deal". *The Journal of Law, Economics, & Organization*, Vol. 32, No.1, pp 1-36.
- Lee, Nari; Nystén-Haarala, Soili; Huhtilainen, Laura (2013). *Interfacing Intellectual property rights and Open innovation*. pp 1-11. available at:<http://ssrn.com/abstract=1674365> (last visited on 2019/8/21).
- Mention, Anne-Laur (2013). *Open Innovation and Intellectual Property: The Relationship and Its Challenges*. pp 1-39. available at:<https://www.researchgate.net/publication/263468599> (last visited on 2019/7/2).
- Ming, Liu (2010). *Research on Intellectual Property Management in Open Innovation*. pp 1443- 1450. available at:<https://www.pucsp.br/icim/ingles/downloads/papers_2010/part_6/43_Research%20on%20Intellectual%20Property%20Management%20in%20Open%20Innovation.pdf> (last visited on 2019/ 6/11).
- Pénin, Julien (2008). *Open source innovation: Rethinking the concept of openness in innovation studies*. pp 1-28. available at: http://dimetic.dime-eu.org/node/371 > (last visited on 2019/6/22).<
- Pénin, Julien (2011). *Open source innovation: Towards a generalization of the open source model beyond software*. pp 64-88, available at: <https://www.researchgate.net/publication/272437986 > (last visited on 2019/6/22).
- Sadao, Nagaoka; Yoichiro, Nishimura (2015). *Use of Grace Periods and Their Impact on Knowledge Flow: Evidence from Japan*. pp 1- 66. Available at: https://www.rieti.go.jp/jp/publications/dp/15e072.pdf last visited on 2019/7/12).
- Schultz, Jason; M. Urban, Jennifer (2012). "Protecting Open Innovation: The Defensive Patent License As a New Approach To Patent Threats, Transaction Costs, And Tactical Disarmament". *Harvard Journal of Law & Technology*, Vol. 26, No.1, pp 1- 67.
- Shinneman, Erin. M. (2010). "Owning Global Knowledge: The Rise of Open Innovation and the Future of Patent Law". *Brooklyn Journal of International Law*, Vol. 35, No. 3, pp 934-964.
- Sumida, Masayoshi (2018). *Outline of Japanese Patent Law*. pp 1- 68. Available at:https://www.jpo.go.jp/e/news/kokusai/developing/training/textbook/document/index/Outline_of_Japanese_Patent_Law.pdf>(last visited on 2019/12/3).
- Tamura, Yoshiyuki (2014). "Patent Law Design in the Open Innovation Era". *Intellectual Property Law and Policy Journal*, Vol. 1, pp 25- 44.
- Vallat, Jacqueline (2009). *Intellectual Property and Legal Issues in Open Innovation in Services*. pp 1- 100. available at:<https://ec.europa.eu/digital-single-market/en/news/intellectual-property-and-legal-issues-open-innovation-services>(last visited on 2019/7/6).